

گزارش پژوهشی



تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران

آیت الله عباس کعبی

عنوان پژوهش

تحلیل مبانی اصل دوازدهم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۷۶

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶



شناسنامه

عنوان:

تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران
تحلیل مبانی اصل دوازدهم قانون اساسی
آیت‌الله عباس کعبی

تحقیق و تنقیح: علی فتاحی
ویراستار تخصصی: علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۷۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۲/۲۶

پژوهشکده شورای نگهبان



تحليل مبانے نظام جمهورى اسلامى ايران

تحليل مبانے اصل دوازدهم قانون اساسى

فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۵.....	مبحث اول: مبانی فقهی و آثار رسمیت دین و مذهب
۵.....	گفتار اول: مفهوم شناسی دین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری
۵.....	بند اول: دین اسلام
۷.....	بند دوم: مذهب شیعه اثنی عشری
۱۱.....	گفتار دوم: ادله‌ی فقهی رسمیت اسلام و مذهب جعفری
۱۱.....	بند اول: مفهوم «رسمیت» دین و مذهب
۱۳.....	بند دوم: مبانی فقهی رسمیت دین اسلام و مذهب شیعه جعفری
۲۰.....	بند سوم: آثار رسمیت دین اسلام و مذهب جعفری در قانون اساسی
۲۹.....	مبحث دوم: مبانی فقهی و آثار احترام و آزادی سایر مذاهب اسلامی
۲۹.....	گفتار اول: مبانی فقهی احترام و آزادی سایر مذاهب اسلامی
۳۱.....	بند اول: تقیه مداراتی
۳۱.....	بند دوم: وجوب حسن معاشرت با سایر مذاهب اسلامی و حرمت اهانت و توهین به مقدسات آن‌ها
۳۶.....	گفتار دوم: آثار حقوقی احترام و آزادی مذاهب اسلامی
۳۷.....	بند اول: حق احترام کامل و عدم توهین به مقدسات مذاهب اسلامی
۳۸.....	بند دوم: حق آزادی انجام مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی
۳۸.....	بند سوم: حق بهره‌مندی از احوال شخصیه و دادرسی مربوط به آن بر اساس مذهب
۴۰.....	بند چهارم: حق مقرره‌گذاری در حدود اختیارات شوراهای محلی
۴۱.....	نتیجه‌گیری و جمع بندی
۴۴.....	منابع و ماخذ

اصل دوازدهم - دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

مقدمه

جایگاه و نقش دین و اعتقادات یک ملت در قوانین اساسی کشورها به انحاء مختلفی پدیدار گشته و یکی از موضوعاتی است که اغلب قوانین اساسی به آن پرداخته‌اند. قوانین اساسی در این خصوص یا در مقام بیان آزادی همه‌ی ادیان بوده، یا یک دین خاص را بر سایر ادیان برتری داده و در کنار آزادی سایر ادیان به آن رسمیت بخشیده و یا اساساً تنها اعتقاد مردم به یک مرام و مسلک را به عنوان دین رسمی کشور معرفی نموده و متعرض سایر ادیان نشده است. این تمایزات بیش از هر چیز ریشه در اعتقادات و افکار و عقاید مردم آن جامعه دارد. هر چند نمی‌توان از نقش اوضاع و احوال دوره‌ی نگارش قانون اساسی و همچنین عرف‌ها و سنت‌های اجتماعی حاکم بر آن جامعه غافل بود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز برآمده از انقلاب ملتی مسلمان است که هدف خود را سرنگونی حکومت طاغوتی قراردادده بود و انقلاب در ارزش‌های موجود در جامعه به سمت و سوی تحقق جامعه‌ی الگو و اسوه بر مبنای آموزه‌های اسلام ناب را طلب می‌کرد. قانون اساسی‌ای که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌ی اسوه بر اساس اصول و ضوابط اسلامی بوده و منعکس‌کننده‌ی خواست قلبی ملتی می‌باشد که با پشتوانه‌های مکتبی و اعتقاد راسخ به آموزه‌های اسلامی اقدام به براندازی حکومت ظالم پهلوی نمود. بر همین اساس آنچه ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بیش از هر چیز دیگر دنبال می‌کرد، استقرار حکومتی بر مبنای شریعت اسلام بود که برآمده از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی و گروهی نبوده و به دنبال تحقق آرمان‌های متعالی سیاسی ملتی هم‌فکر و هم‌کیش در راه تحول فکری و عقیدتی در راه رسیدن به کمال حقیقی یا همان قرب خداوند متعال می‌باشد.

به بیان دقیق‌تر و به عبارت مختصر ملت ایران به دنبال ایجاد حکومتی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و استوار بر پایه‌های فقه جعفری بود.

اصل ۱۲ قانون اساسی در مقام پاسخ‌گویی به این مطالبه‌ی عمومی اقدام به تبیین جایگاه دین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و اساسی‌سازی دین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری به عنوان دین و مذهب رسمی در کشور ایران نموده است و در کنار آن به موضوع احترام کامل به سایر مذاهب اسلامی و آزادی آن‌ها در انجام مراسم مذهبی، تعلیم و تربیت دینی، احوال شخصیه و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها اشاره می‌نماید. به بیان دقیق‌تر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر چند به احترام کامل و آزادی سایر مذاهب اسلامی اشاره نموده است، اما جزء آن دسته از قوانین اساسی می‌باشد که به رسمیت و برتری یک دین و مذهب بر سایر مذاهب اشاره می‌نماید و علیرغم این که قانون اساسی از بین تمامی مذاهب اسلامی، مذهب جعفری اثنی عشری را به عنوان مذهب رسمی معرفی نموده است، ولی این کلام به معنای حذف یا اهانت به سایر مذاهب اسلامی به خصوص مذاهب حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی و زیدی نیست، بلکه این مذاهب دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان آن‌ها از حقوق متعددی برخوردارند.

آنچه اکنون محل تامل به نظر می‌رسد بررسی جایگاه دین و مذهب رسمی و به بیان دقیق‌تر نقش اصل ۱۲ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مطالعه‌ی مبانی فقهی و کلامی جایگاه دین و مذهب در حکومت اسلامی است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش حاضر به مطالعه‌ی چستی مبانی دینی اصل ۱۲ قانون اساسی می‌پردازد و در پی آن به سئوالات فرعی همانند مبانی فقهی دین رسمی و مذهب رسمی، آثار حقوقی رسمیت دین و مذهب، آثار عدم امکان تغییر الی‌الابد دین و مذهب رسمی و مبانی فقهی احترام به سایر مذاهب پاسخ می‌دهد.

بر این اساس، پژوهش حاضر متناسب با موضوعات مندرج در اصل ۱۲ در دو مبحث ساماندهی گردیده که مبحث اول به بررسی مبانی فقهی و آثار حقوقی اسلام به عنوان دین و مذهب جعفری اثنی عشری به عنوان دین و مذهب رسمی می‌پردازد و در مبحث دوم مبانی فقهی احترام و آزادی سایر مذاهب اسلامی اعم از مالکی، حنبلی، شافعی، حنفی، زیدی و سایر مذاهب اسلامی و آثار حقوقی آن در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث اول: مبانی فقهی و آثار رسمیت دین و مذهب

در مقام بررسی مبانی فقهی و آثار حقوقی رسمیت بخشی به دین اسلام و مذهب شیعه ای اثنی عشری به عنوان دین و مذهب رسمی در نظام جمهوری اسلامی ایران، ضروری است که ابتدا مفهوم مورد نظر از دین اسلام و مذهب شیعه و مفهوم رسمیت مورد بررسی قرار گیرد، سپس مبانی فقهی رسمیت دین و مذهب مطالعه گردد و پس از آن آثار حقوقی آن‌ها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بیان شود.

گفتار اول: مفهوم شناسی دین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری

بررسی مفهوم دین اسلام و مذهب شیعه ای اثنی عشری به عنوان دو مفهوم کلیدی مندرج در اصل ۱۲ قانون اساسی، در راستای دستیابی به پاسخ پرسش اصلی این پژوهش امری ضروری به نظر می‌رسد. از همین رو این گفتار ابتدا به مفهوم شناسی دین اسلام خواهد پرداخت و پس از آن مفهوم مذهب شیعه اثنی عشری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بند اول: دین اسلام

هر چند دین در لغت در معانی اطاعت، انقیاد و فرمان برداری، طریقت، شریعت، راه و روش و آیین استعمال گردیده است^(۱) اما مقصود از دین در اصطلاح مجموعه ای از عقاید و احکام است که انسان از جهت فکری و عملی در زندگی خود بدان‌ها پایبند است، به نحوی که اثری ملموس در همه امور و شیوه‌هایی که تعیین کننده نوع حرکت و تعامل او در زندگی با خود و دیگران و واقعیت‌هاست، به جای می‌گذارد. این عناصر ساختار فکری، معنوی، روحی، عاطفی و انقلابی انسان را تشکیل می‌دهند.^(۲) به بیان دیگر دین مجموعه‌ای از برنامه‌های عملی و هماهنگ با جهان بینی است که انسان برای سعادت خود آن را وضع می‌نماید و یا از دیگران می‌پذیرد.^(۳) به بیان دقیق‌تر دین مجموعه ای از عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور فردی و اجتماعی انسان‌ها و تأمین سعادت دنیا و آخرت آنان، به وسیله خداوند متعال از طریق

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: مؤسسه الهجرت، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۷۳ - مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران: مرکز الکتاب للترجمه و النشر، ۱۴۰۲ ه ق، ج ۳، ص ۲۸۸ - دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، مدخل دین - معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۸، مدخل دین

۲. فضل‌الله، سید محمد حسین، پرسش و پاسخ، قم: المکتب الاعلامی، ۱۴۲۲، ص ۲۱

۳. طباطبایی، محمد حسین، شیعه در اسلام، قم: انتشارات هجرت، بی تا، صص ۲-۳

بندگان برگزیده ابلاغ شده است.^(۱)

مفهوم اسلام نیز در دو معنای عام و خاص قابل مطالعه می‌باشد. اسلام در معنای عام، به همه شریعت‌های الهی اطلاق می‌گردد^(۲) در حالی که مقصود از اسلام در معنای خاص کامل‌ترین آموزه‌های الهی برای سعادت ابناء بشر است که به وسیله خداوند متعال و از طریق پیامبر اکرم، حضرت محمد (ص) به مردم ابلاغ شده است. در حقیقت دین اسلام به عنوان دین یگانه در نزد خداوند متعال، مجموعه دستوراتی است که از طرف حضرت حق و به وسیله پیامبر خاتم (ص) به انسان رسیده، هر کس غیر از آن را انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد و هر کس به طریقی غیر از طریق اسلام عمل نماید در سرای آخرت زیانکار خواهد بود.^(۳) مجموعه‌ی آموزه‌هایی که خداوند متعال تحت عنوان دین اسلام برای هدایت بشر فرورستاده و به وسیله‌ی نبی مکرم اسلام (ص) و جانشینان معصوم وی ابلاغ و تبیین گردیده است، ذیل سه دسته‌ی «اعتقادات»، «احکام» و «اخلاقیات» قابل مطالعه می‌باشد. اعتقادات یا اصول دین آن دسته از باورهای اسلامی است که اساس دین اسلام را تشکیل می‌دهد و مسلمانی بدون اعتقاد و یقین راسخ به آن باورها ممکن نیست^(۴) احکام یا فروع دین نیز آن دسته از احکام و برنامه‌های عملی است که مبتنی بر آن مسلمانان موظف به انجام و ترک فعل خاصی می‌شوند.^(۵) اخلاقیات نیز آن دسته از آموزه‌هایی است که به بعد روانی و رفتاری انسان اشاره نموده، صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتارهای اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد.^(۶) بر این اساس عبارت «دین اسلام» در اصل

۱. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، قم: اسراء، ۱۳۸۷، ص ۲۰
۲. مکارم شیرازی ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴، ج ۲، ۴۷۰ و جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، قم: اسراء، ۱۳۸۷، صص ۲۰-۲۱
۳. مظفر، محمد رضا، عقاید الامامیه، قم: انصاریان، ۱۳۸۷، ص ۵۶
۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۳ جلد، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ هـ ق، ج ۱، ۵۶۷
۵. فلاح زاده، محمد حسین، احکام دین مطابق با فتاوی‌ای مراجع بزرگ تقلید تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶، صص ۱۲-۱۳
۶. نراقی، مهدی بن ابی‌ذر، علم اخلاق اسلامی: ترجمه کتاب جامع السعادات، ترجمه جلال‌الدین مجتوی، تهران: حکمت، ۱۳۷۷، ص ۳۲

۱۲ قانون اساسی اشاره به مفهوم خاص اسلام و مجموعه تعالیمی دارد که خداوند متعال به منظور سعادت بشر از طریق پیامبر خاتم (ص) نازل فرموده است.

بند دوم: مذهب شیعه اثنی عشری

مقصود از مذهب در لغت راه و روش، طریقه، مکتب، مسلک، نحله و شیوه، مسیر، راه و رسم می باشد.^{(۱) و (۲)} اصطلاح مذهب در کلام اسلامی بیانگر شیوه‌هایی خاص در فهم مسائل اعتقادی و به طور خاص موضوع امامت است که ریشه‌ی اختلافات مذاهب گوناگون کلامی در نحوه‌ی توجیه مقدمات منطقی و یا تفسیر ظاهر کتاب خداست و به مذاهب کلام اسلامی همانند شیعه، اشعری و معتزلی تقسیم می‌شوند. مذهب در اصطلاح فقهی نیز به روشی خاص در استنباط احکام شرعی از منابع دینی اطلاق می‌شود. از مهم‌ترین مذاهب فقهی اسلامی نیز می‌توان به شیعه، حنفی، مالکی، حنبلی و زیدی اشاره نمود.^(۳) در اصطلاح حقوقی نیز مذهب در مفهوم اخص به معنی هر یک از ادیان آسمانی همانند یهود و مسیحیت و اسلام به کار رفته و در معنای محدودتر مذهب به هر یک از فرق ادیان اطلاق می‌شود.^(۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مذهب را در مفهوم اخیر آن یعنی یکی از فرق اسلامی استعمال نموده است.

شیعه نیز در لغت در معانی توافق و یا هماهنگی دو یا چند نفر بر موضوع خاص و یا پیروی کردن فرد یا گروهی از فرد و گروه دیگر به کار رفته است.^(۵) علامه طباطبایی در مقام تبیین مفهوم شیعه بیان می‌دارد: «کلمه شیعه عبارت است از مردمی که پیرو غیر خود باشند، و دنبال او به راه بیفتند و کوتاه سخن مردمی که موافق طریقه کسی حرکت کنند،

۱. المذهب: المُعتَقَد الذی یذهب الیه. و الطریقه. یقال: ذهب فلان مذهباً حسناً ای طریقه حسنه. و ذهب مذهب فلان: إذا قصد قصد و طریقه. و ذهب فی الدین مذهباً: رأی فیهِ رأياً. و قیل: أحدث فیهِ بدعة (موسی، حسین یوسف، الإفصاح - قم: بی‌نا، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۵۸)
۲. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، دخل مذهب - عمید حسن، فرهنگ لغات عمید، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربانزاده، تهران: نشر اشجع، ۱۳۸۹، مدخل مذهب - بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵، ص ۸۰۲
۳. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، جلد اول، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، بی‌تا، ص ۲۴

۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۶۳۳
۵. الشَّیْعَةُ القوم الذین یجتَمعون علی الأمر و کلُّ قوم اجتمعوا علی أمر، فهم شیعة. و کلُّ قوم أمرهم واحد یتبع بعضهم رأی بعض، فهم شیعة (ابن منظور، ابو الفضل محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۸، ص ۱۸۸)

چنین مردمی شیعه آن کس می‌باشند، حال چه این که آن کس جلوتر از آن قوم باشد، یا بعد از آن قوم، هم چنان که خدای تعالی فرمود: «وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ» به طوری که ملاحظه می‌کنید در این آیه شیعه را به کسانی اطلاق کرده که قبل از افراد مورد نظر عذاب شدند، و بین آنان و لذت‌هایشان حائل شد.^(۱)

در اصطلاح اسلامی شیعه به آن گروهی از مسلمانان اطلاق می‌گردد که قائل به خلافت و امامت بلافصل امیرالمومنین علی ابن ابیطالب^(ع) بوده و بر این باورند که امام و جانشین پیامبر^(ص) به نص شرعی منصوب می‌گردد و امامت امیرالمومنین^(ع) و فرزندان معصوم ایشان نیز به نص شرعی ثابت شده است.^(۲) ابن خلدون معتقد است شیعه در اصطلاح فقیهان و متکلمان اسلام، بر پیروان علی بن ابی طالب^(ع) و فرزندان او اطلاق می‌شود.^(۳) اطلاق واژه شیعه بر پیروان امیرالمومنین علی ابن ابیطالب^(ع) ریشه در عصر پیامبر اکرم^(ص) دارد و حضرت ایشان برای نخستین بار این واژه را در مقام تفسیر آیهی «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة»^(۴) در شان پیروان امیرالمومنین^(ع) به کار برده و خطاب به ایشان فرمودند: «تو و شیعیانت روز قیامت، رستگار خواهید بود.»^(۵) بر این مبنا است که جوهره‌ی تشیع مرجعیت سیاسی

۱. طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۲۲
۲. فاما إذا دخل فيه علامة التعريف فهو على التخصيص لا محالة لأتباع أمير المؤمنين ص على سبيل الولاية و الاعتقاد لإمامته بعد الرسول ص بلا فصل و نفی الإمامة عن تقدمه في مقام الخلافة و جعله في الاعتقاد متبوعا لهم غير تابع لأحد منهم على وجه الاقتداء. (شیخ مفید، أوائل المقالات في المذاهب و المختارات، قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۵) شهرستانی از علمای اهل سنت در تعریف شیعه می‌نویسد: «الشیعة الذین شایعوا علیا رضی الله عنه علی الخصوص. و قالوا بإمامته و خلافته نصا و وصیة، إما جلیا، و إما خفیا، و اعتقدوا أن الإمامة لا تخرج من أولاده، و إن خرجت فیظلم یكون من غیره، أو بتقیة من عنده. و قالوا: لیست الإمامة قضیة مصلحة تطاق باختیار العامة و یتصب الإمام بنصبهم، بل هی قضیة أصولیة، و هی رکن الدین، لا یجوز للرسول علیهم الصلاة والسلام إغفاله و إهماله، و لا تفویضه إلى العامة و إرساله.» (شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الملل و النحل، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۱۶۹)
۳. به نقل از خاتمی، احمد، فرهنگ علم کلام، تهران: انتشارات صبا، ۱۳۷۰، ص ۲۹
۴. مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، اینانند که بهترین مخلوقات اند. (سوره‌ی بینه: آیه‌ی ۷)

۵. عن جابر، قال: کنا عند النبی صلی الله علیه و سلم فأقبل علی بن ابی طالب، فقال رسول الله: «قد أتاکم أخی، ثم التفت إلى الکعبة فضر بها بیده. ثم قال: و الذی نفسی بیده، إن هذا و شیعته هم الفائزون یوم القیامة. ثم قال: إنه أولکم ایماناً معی، و أوفاکم بعهد الله، و أقومکم بأمر الله، و أعدلکم فی الرعیة، و

و علمی امیرالمومنین^(ع) و اولاد معصومین ایشان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و این امر ریشه در آموزه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله دارد.^(۱)

مذهب شیعه خود دارای فرق متعددی است که بسیاری از آن‌ها در حال حاضر پیروانی ندارند و می‌توان از زیدیه، اسماعیلیه و اثناعشریه به عنوان مهم‌ترین فرق شیعه نام برد. پیروان مذهب شیعه‌ی اثنی عشری که یکی از اصناف و فرقه‌های مذهب شیعه بوده و از آن تحت عنوان «امامیه» یاد می‌شود^(۲) و^(۳)، بر این باورند که امیرالمومنین^(ع) و یازده فرزند معصوم^(۴) ایشان به نص صریح از جانب خداوند متعال و به وسیله‌ی رسول مکرم اسلام^(ص) به عنوان پیشوایان مردم و جانشینان بر حق رسول خدا^(ص) معرفی گردیده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت وجه ممیزه‌ی امامیه یا همان مذهب شیعه‌ی اثنی عشری با سایر مذاهب اسلامی^(۵) در آن است که امامیه بر این باورند که وجود امام

- ▲
- أقسمكم بالسوية، وأعظمكم عند الله مزية.» (امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، ۱۱ جلد، قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه، ۱۴۱۶ هـ ق، ج ۲، ص ۹۹)
۱. برای نمونه پیامبر اکرم^(ص) در خصوص امیرالمومنین^(ع) و اهل بیت معصومین ایشان می‌فرماید: «مثل خاندان من همچون کشتی نوح در قوم اوست. هر کس بر این کشتی سوار شود نجات می‌یابد و هر کس از آن جا بماند غرق می‌شود.» (سبحانی جعفر، سیمای عقائد شیعه، ترجمه جواد محدثی، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶ ش، ص ۷۴)
۲. عمید زنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی، مشتمل بر واژگان فقهی و حقوق عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۹۴.
۳. «هم القائلون بإمامة علي رضي الله عنه بعد النبي عليه الصلاة والسلام، نصاباً ظاهراً، و تعييناً صادقاً، من غير تعريض بالوصف بل إشارة إليه بالعين- امامیه کسانی هستند که قائل به امامت علی بعد از پیامبر یا نص ظاهری و تعیین مصداق و اشاره‌ی به شخص او می‌باشند و نه تعیین صفاتی برای وی» (شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الملل و النحل، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۱۶۹)
۴. «امامیه معتقد است که حضرت علی^(ع) و یازده تن از نسل او- تا حضرت مهدی^(ع)- به نص پیامبر^(ص) و نصب الهی، امام و پیشوای مسلمانان‌اند. حضرت مهدی^(ع)، واپسین امام، در آخر الزمان ظهور می‌کند و جهان را به عدل و داد راه می‌نماید. این امامان به ترتیب، عبارت‌اند از: علی بن ابی طالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و سرانجام، حضرت مهدی^(ع)» (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۳۰)
۵. از مهم‌ترین وجوه ممیزه‌ی تشیع با سایر مذاهب اسلامی به ویژه با رویکرد کلامی می‌توان به امور زیر اشاره نمود:
۱. « شیعه امامیه اتفاق نظر دارند که صفات خدا در مفهوم، غیر از ذات خداست، ولی در مصداق، عین ذات اوست.

معصوم منصوب از ناحیهی خداوند متعال در هر دوره و زمانی به سبب نیاز مردم به هدایت و همچنین مصلحت دین واجب بوده و امام کامل‌ترین فرد زمان خویش است و محصور در فرزندان حسین بن علی (ع) می‌باشد.^(۱) از جمله‌ی مهم‌ترین مبانی اعتقادی امامیه می‌توان به امامت و ولایت بلافصل علی (ع) و اولاد ایشان، عصمت در انبیاء و ائمه (علیهم السلام)، تقیه، بداء، رجعت و متعه اشاره نمود.^(۲)

لازم به ذکر است که مقصود از شیعه‌ی جعفری همان شیعه‌ی اثنی عشری یا امامیه می‌باشد و علت نام‌گذاری مذهب امامیه به جعفری را باید در نقش امام صادق (ع) در رشد و توسعه‌ی مذهب شیعه جستجو نمود. در حقیقت شیعیان امامیه با وجود اعتقاد به دوازده فرستاده‌ی الهی به عنوان امامان معصوم، خود را جعفری می‌دانند. چرا که حضرت امام جعفر صادق (ع) به علت قرار گرفتن در برهه‌ی تاریخی خاص، با جمع‌آوری، تدوین و استحکام بخشیدن به عقاید و فقه تشیع، تربیت شاگردان فراوان و ارسال آن‌ها به مناطق گوناگون نقش به‌سزایی در معرفی چهره‌ی اسلام ناب داشتند که در عصر پیامبر اکرم (ص) پایه‌گذاری گردیده بود و از همین رو مذهب امامیه مذهب جعفری نیز نامیده می‌شود.^(۳)

در نتیجه مقصود مورد نظر اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از عبارت «مذهب جعفری اثنی عشری» یکی از فرق اسلامی است که دارای اعتقادات مشخصی بوده و جوهره و وجه بارز ممیزه‌ی آن از سایر مذاهب اسلامی پیروی از امیرالمومنین (ع) و یازده فرزند معصوم ایشان به عنوان جانشینان رسول خدا (ص) است که دارای مقام عصمت بوده و به عنوان انسان کامل تلقی می‌گردند.

۲. امامیه، کارهای بندگان را حقیقتاً و بدون مجاز و توسعه اندیشی، صادر از خود آنان می‌دانند. انسان است که خورنده، زنده، روزه‌دار و نمازگزار است.
۳. دیدن خدا در آخرت، محال است، چون لازمه چنین چیزی جسم بودن و جهت داشتن خداست.
۴. کلام خدا فعل خداست و حادث است نه قدیم.
۵. امامیه به حسن و قبح عقلی معتقدند و می‌گویند عقل می‌تواند خوبی و زشتی برخی کارها را درک کند.
۶. بر اساس همین اصل، خدا به عدالت توصیف می‌شود و اینکه ستم نمی‌کند. (سبحانی جعفری، سیمای عقائد شیعه، ترجمه جواد محدثی، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶ ش، صص ۷۴-۷۶)
۱. شیخ مفید، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق، صص ۳۸ و ۳۹
۲. ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذهب کلامی، انتشارات مرکز جهانی، بی‌تا، صص ۱۳۹
۳. خواجویان، محمد کاظم، تاریخ تشیع، مشهد: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶ ش، صص ۷۸

گفتار دوم: ادله‌ی فقهی رسمیت اسلام و مذهب جعفری

در راستای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش حاضر و بررسی مبانی فقهی رسمیت دین اسلام و مذهب جعفری ضروری است که ابتدا مفهوم «رسمیت» مورد بررسی قرار گیرد و سپس مبانی فقهی آن مطالعه گردد.

بند اول: مفهوم «رسمیت» دین و مذهب

نگاه رژیم‌های سیاسی مدرن به مقوله‌ی دین و جایگاه آن در شکل‌گیری نظام‌های حقوقی در سه دسته‌ی کلی قابل مطالعه می‌باشد. دسته‌ی اول قوانین اساسی رژیم‌های ضد مذهب بوده که بر بنیان‌های مبارزه با دین و مذهب استوار گردیده و نه تنها هیچ دینی در آن رسمیت ندارد، بلکه تبلیغات دینی نیز در آن ممنوع می‌باشد و روحانیون نیز از برخی حقوق اجتماعی محرومند. برای نمونه در نظام مارکسیستی شوروی سابق چنین نگاهی به دین وجود داشت. دسته‌ی دوم شامل رژیم‌های سیاسی است که اساساً تمیید مذهبی در آن بی معنا است، اما اصول پذیرفته‌ی شده‌ی حقوق بشری، همانند آزادی انتخاب مذهب و حق تبلیغات دینی در آن به رسمیت شناخته شده و ادیان و پیروان مذاهب محترم شمرده می‌شوند. نمونه‌ی بارز این نظام‌ها را می‌توان در اروپای غربی مشاهده نمود. دسته‌ی سوم به مجموعه کشورهای همانند کشورهای اسلامی اشاره دارد که دین خاصی را به عنوان دین رسمی معرفی می‌نمایند ولی معمولاً رسمیت مذهب در آن‌ها از شعار و تظاهر فراتر نمی‌رود و رابطه‌ی دین و سیاست در آن‌ها تنها به صورت شکلی است.^(۱) آیا مفهوم رسمیت دین و مذهب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ذیل یکی از سه دسته‌ی مذکور می‌گنجد و یا بیان‌گر مفهوم متفاوتی است؟ با نگاهی به اصول گوناگون قانون اساسی و اندیشه‌ی قانون‌گذار اساسی باید بیان نمود که عبارت «رسمیت» دارای بار حقوقی متفاوتی از آن چیزی است که در سه دسته‌ی فوق بیان شد. در حقیقت رسمیت در اصل ۱۲ قانون اساسی به لزوم انطباق همه‌ی قوانین و مقررات کشور با دین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری اشاره دارد.^(۲) به بیان دقیق‌تر از آن‌جا که منطبق با اصل ۴ قانون اساسی همه‌ی قوانین

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ هـ.ق، ج ۱، صص ۹۹ و ۱۰۰
 ۲. یکی از نمایندگان در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در مقام دفاع از رسمیت دین اسلام و مذهب شیعه می‌گوید: «فلسفه‌ای که برادران ما در ذکر این اصل در نظر داشته‌اند و امروز هم در جلسه مشترک گروه‌ها به آن کراراً اشاره شد، یک واقعیت است و آن این است که ما می‌گوییم «جمهوری

و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد؛ عبارت رسمیت دین اسلام و مذهب جعفری برای مشخص نمودن معیار موازین اسلامی در هنگام تصویب قوانین و مقررات مورد اشاره قرار گرفته است.^(۱) بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام تبیین جایگاه دین در عرصه‌ی حکمرانی پا را فراتر از آنچه بیان گردید، گذاشته و با رسمیت بخشی به دین اسلام و مذهب شیعه‌ی اثنی عشری، بیان می‌دارد که همه‌ی باید و نبایدهایی که تحت عنوان قوانین و مقررات وضع می‌گردد، باید منطبق با آموزه‌های دین اسلام و مذهب شیعه‌ی جعفری باشد. به عنوان مویدات حقوقی این ادعا می‌توان به سایر

اسلامی»، اسلام جزء نظام ما و بلکه اساس نظام ما است. این یک واقعیت است و شوخی هم نیست. بنابراین احکامی را که این حکومت می‌خواهد تنظیم کند باید براساس اسلام باشد و اگر فقط اسلام را ذکر بکنیم و احکام و قوانین جنبه اسلامی نداشته باشد، در واقع اسلام یک دکور می‌شود و این درست نیست، پس مقررات آینده براساس نظام اسلام با حفظ حقوق اقلیت‌ها باید باشد و این یک واقعیت است زیرا ما می‌دانیم مذاهب پنج‌گانه اسلامی یعنی شیعه، حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی در سلسله اصول مشترک‌اند و در این اصول با هم هماهنگ می‌باشند و اختلافی ندارند، ولی در مسائل فقهی یک تفاوت نظرهایی بین فرق پنج‌گانه وجود دارد. ما می‌خواهیم قانون را تدوین کنیم و گفتیم که در مجلس شورای ملی هم هر قانونی بر ضد اسلام باشد ارزش قانونی ندارد. می‌خواهیم ببینیم در آنجاها که بین مذاهب اختلاف نظر وجود دارد آیا باید یک ضابطه‌ای در دست باشد و یا نباشد؟ بنده کار به افراد ندارم خود دولت وقتی می‌خواهد قراردادی ببندد و یا معامله کند و یا سیاست داخلی و خارجی را بخواهد تنظیم کند، در مسائلی که با مسائل اسلامی ارتباط و پیوند دارد می‌خواهد سیاستش را تنظیم بکند، در آنجایی که بین مذاهب اختلافی هست، باید یک تنظیم صحیحی بکند. (مولوی عبدالعزیز- این مورد استثناء است.) عرض می‌کنم ما همین مورد استثنا را در واقع ذکر کردیم، در آنهایی که اتفاق نظر هست بحثی نیست اما آنجایی که اختلاف نظر هست، می‌خواهیم به دولت الگو و ضابطه بدهیم و بگوییم شما باید یکی از این مذاهب را انتخاب کنید، عدل، که شما فرمودید ایجاب می‌کند که مذهب اکثریت را الگو قرار بدهیم چون قانون متضاد نمی‌توانیم تنظیم بکنیم، یک قانون واحد باید باشد و الگو هم از اکثریت گرفته شده است. به همان دلیلی که شما می‌گویید نظام ما جمهوری اسلامی است، برای این که اکثریت به آن رأی داده‌اند و غیر مسلمان اقلیتی است محترم، اما نظام، جمهوری اسلامی است. اگر آن اکثریت احترام دارد در آنجاها که تفاوتی بین مذاهب هست و لذا به عنوان یک ضابطه بعد از بیان اسلام نوشته می‌شود: مذهب شیعه اثنی عشری است» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۶۲)

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی ایران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳ و هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴، صص ۱۶۷-۱۶۹

اصول قانون اساسی از جمله اصول ۴^(۱) و ۹۱^(۲) اشاره نمود. همچنین در صورتی که مقصود قانون اساسی از رسمیت همان رعایت احترام کامل می‌بود دیگر نیازی به ذکر رسمیت مذهب شیعه و احترام به سایر مذاهب اسلامی نبود. به بیان دقیق‌تر قانون‌گذار اساسی با ذکر رسمیت مذهب شیعه‌ی جعفری اثنی عشری در کنار احترام به سایر مذاهب اسلامی، به دنبال بیان چیزی فراتر از احترام کامل و آزادی پیروان مذهب شیعه بوده و آن نیز انطباق قوانین و مقررات با آموزه‌های این مذهب می‌باشد.

بند دوم: مبانی فقهی رسمیت دین اسلام و مذهب شیعه جعفری

اکنون که مقصود مورد نظر از رسمیت دین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری روشن گردید و مشخص شد که علت ذکر این اصطلاح در اصل ۱۲ قانون اساسی لزوم انطباق همه‌ی قوانین و مقررات با آموزه‌های اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است. باید به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بنیادین بود که مبنا و ریشه‌ی فقهی و کلامی این موضوع چیست؟ به نظر می‌رسد در مقام پاسخ‌گویی به سؤال فوق باید میان دو حوزه تفکیک قائل شد. حوزه‌ی اول در مقام بررسی مبنای فقهی علت ذکر اسلام و مذهب تشیع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده و حوزه‌ی دوم به مطالعه‌ی مبانی رسمیت بخشی به اسلام و تشیع می‌پردازد. به بیان دقیق‌تر اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام بیان دو رویکرد به دین و مذهب است. اولاً، اساسی‌سازی موضوع دین و مذهب در قانون اساسی و ثانیاً رسمیت‌بخشی به آن و لزوم انطباق قوانین و مقررات کشور با دین و مذهب رسمی.

الف: مبانی فقهی اساسی‌سازی دین اسلام و مذهب تشیع

علت اساسی‌سازی دین و مذهب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با پاسخ‌گویی به این پرسش قابل بررسی است که چرا دین اسلام و مذهب شیعه‌ی جعفری

۱. «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.»
۲. «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:
 - ۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام رهبری است.
 - ۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.»

در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است و مبانی دینی آن چیست؟ پاسخ‌گویی به این پرسش ریشه در حقانیت اسلام به عنوان آخرین دین الهی دارد که این امر بیش از هر حوزه‌ی معرفتی در مباحث مربوط به علم کلام محل بحث قرار گرفته و از مباحث مربوط به اصول اعتقادات مسلمانان بوده و از حوزه‌ی پژوهش حاضر خارج است.^(۱) این در حالی است که پاسخ به سؤال فوق در حوزه‌ی مباحث فقه شیعه تحت عنوان «وجوب تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر آموزه‌های فقه شیعه» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در تبیین مفهوم و جایگاه این حکم شرعی باید بیان نمود که فقهای شیعه مبتنی بر آموزه‌های شریعت اسلام بر این باورند که مسلمانان موظفند در حکومتی زندگی نمایند که حاکمیت اسلام در آن جاری است. به بیان دقیق‌تر از یکسو بر اساس ادله‌ی عقلی و نقلی^(۲) متعددی تشکیل حکومت اسلامی از منظر شرعی امری واجب تلقی می‌گردد؛ چرا که خداوند متعال در راه هدایت بشر به مسیر سعادت در عرصه‌های گوناگون فردی و اجتماعی احکامی را وضع نموده که دارای جنبه‌های گوناگون فردی و اجتماعی است و تشکیل حکومت اسلامی مقدمه‌ای بر اجرای بسیاری از احکام الهی به ویژه در عرصه‌ی اجتماعی تلقی می‌گردد و تحقق احکام اجتماعی اسلام بدون تشکیل حکومت میسر نخواهد بود. از سوی دیگر، بر مبنای آموزه‌های شرعی، اطاعت از حکومت‌های غیر اسلامی که در ادبیات دینی از آن‌ها تعبیر به طاغوت می‌گردد شرعاً حرام می‌باشد.^(۳) امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «این حکم [حکم حرمت

۱. برای مطالعه‌ی منابع کلامی اسلامی در زمینه‌ی اثبات اصول اعتقادات مسلمانان به ویژه شیعیان و اثبات حقانیت دین اسلام ر.ک:

۱. بهشتی، محمد حسین، شناخت اسلام، تهران: روزنه، ۱۳۹۰
۲. سبحانی جعفر، منشور عقاید امامیه، تهران: موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۶
۳. مکارم شیرازی، ناصر، پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان، قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۶
۴. برای نمونه می‌توان به ادله‌ای همانند اهداف عالی اسلام، سیره نبوی در تشکیل حکومت اسلامی، جامعیت احکام اسلامی و ماهیت اجتماعی احکام، نیازمندی قانون به وجود مجری، حرمت مراجعه به طاغوت، سیادت اسلام و ضرورت نفی سلطه حکومت‌های غیر اسلامی بر مسلمانان و وحدت و همبستگی امت اسلامی اشاره نمود (موسوی خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس، ۱۴۲۳ هـ، ص ۳۰- منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابو الفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ، ج ۱، ص ۲۸۰- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۴۲۱ هـ، ج ۲، ص ۱۵۹)
۴. مکارم شیرازی ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۴۶

رجوع به حاکم طاغوت] سیاسی اسلام است. حکمی است که سبب می شود مسلمانان از مراجعه به قدرت های ناروا و قضاتی که دست نشانده آنها هستند خودداری کنند تا دستگاه های دولتی جائز و غیر اسلامی بسته شود و این تشکیلات عریض و طویل دادگستری که جز زحمت فراوان برای مردم کاری صورت نمی دهد برچیده گردد، و راه به سوی ائمه هدی (ع) و کسانی که از طرف آنان حق حکومت و قضاوت دارند باز شود. مقصد اصلی این بوده که نگذارند سلاطین و قضاتی که از عمال آنها هستند مرجع امور باشند و مردم دنبال آنها بروند. به ملت اسلام اعلام کرده اند که اینها مرجع نیستند و خداوند امر فرموده که مردم باید به سلاطین و حکام جور کافر شوند (عصیان بورزند)، و رجوع به آنها با کفر ورزیدن به آنها منافات دارد. شما اگر کافر به آنان باشید و آنان را نالایق و ظالم بدانید نباید به آنها رجوع کنید.^(۱)

این تصور نیز که تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام اجتماعی اسلام محدود به دوره ی حضور معصوم می باشد و در عصر غیبت وظیفه ای از حیث تحقق احکام اسلامی در عرصه ی اجتماعی برای مردم وجود ندارد با استناد به قاعده ی اشتراک در تکلیف پاسخ داده شده است. در این خصوص باید بیان نمود با استناد به قاعده ی اشتراک در تکلیف هر وظیفه ای که در زمان رسول خدا برای امت وضع گردیده و هر حکمی که خداوند حکیم در مسیر سعادت بندگان بیان نموده، برای گروهی که در ذیل عنوان و موضوع حکم قرار می گیرند بدون هیچ تفاوتی در همه ی اعصار و قرون جاری است^(۲) و اگر حکمی از احکام دینی برای عده ای ثابت گردید، آن حکم شامل همه مسلمانان، حتی آنان که در زمان صدور حکم، وجود نداشته اند، نیز می شود.^(۳) بر این اساس حکم و وجوب تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر آموزه های اهل بیت عصمت و طهارت از جمله ی احکامی است که شامل همه ی مسلمانان در هر دوره ای می گردد.

در نتیجه می توان گفت از مهم ترین مبانی فقهی اساسی سازی موضوع دین اسلام و مذهب شیعه ی اثنی عشری در اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیان

۱. موسوی خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس، ۱۴۲۳ هـ، ص ۹۱

۲. عمید زنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی، مشتمل بر واژگان فقهی و حقوق عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، صص ۵۹-۶۶

۳. فاضل لنکرانی، محمد. القواعد الفقهیه، قم: مرکز فقه الائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۳، ص ۳۰۶

خواست و اراده‌ی قلبی ملت ایران در اجرای حکم شرعی و جوب تشکیل حکومت اسلامی و اجرای مقررات شرعی در زندگی فردی و اجتماعی آنان و اعتقاد به حاکمیت اسلام مطابق با دستور اسلام و در مسیر اهل بیت عصمت و طهارت است.^(۱)

ب: مبانی فقهی رسمت اسلام و مذهب شیعه^(۲)

دومین موضوع از موضوعات اصل ۱۲ که بررسی مبانی فقهی آن ضروری به نظر می‌رسد، مطالعه‌ی مبانی فقهی رسمیت‌بخشی به دین اسلام و مذهب جعفری است. همان‌گونه که پیش از این بیان شد مقصود از رسمیت دین و مذهب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن است که همه‌ی قوانین و مقررات کشور باید منطبق با موازین دین اسلام و احکام مذهب رسمی کشور باشد. به منظور مطالعه‌ی مبانی و ریشه‌های این امر باید به اصول اعتقادی شیعیان و مبانی ابتدای نظام قانون‌گذاری بر مبانی آموزه‌های اسلام و فقه شیعه اشاره نمود. در حقیقت رسمیت‌بخشی به دین و مذهب ناشی از نگاه توحیدی شیعیان به موضوع تقنین و تصویب مقررات لازم الاجرا در حکومت‌های اسلامی است. در این خصوص باید بیان نمود که بر اساس اندیشه‌ی شیعی تنها مرجع صالح برای وضع باید و نبایدهای لازم‌الاجرا خداوند متعال بوده و هر قانونی که از ناحیه‌ی وی صادر نگردد، باطل و غیر قابل استناد است. به بیان دقیق‌تر از آن‌جا که آفرینش انسان بر اساس حکمت الهی است و بیهوده و عبث نیست، هدف خداوند متعال از خلقت انسان امری معقول و جاودانه است که به بعد حیات مادی او محدود نمی‌شود و سعادت انسان در گرو حیات معنوی اوست، بعد مادی انسان دارای خوی و خصلت‌های تجاوزگرانه و انحصارطلبانه بوده و برای کسب منافع شخصی اقدام به اضرار به غیر و استثمار دیگران می‌نماید، بشر برای سعادت و جاودانگی خود نیازمند به قانونی است که همه‌ی ابعاد مادی و معنوی زندگی او را مد

۱. لازم به ذکر است که سایر مبانی دینی و ادله‌ی اثبات لزوم اساسی‌سازی دین و مذهب از جمله وجوب اقامه‌ی شریعت، نقش مردم در تشکیل حکومت اسلامی و ... ذیل اصول ۱، ۲، ۴ و ۶ قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفته است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: کعبی، عباس، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴

۲. لازم به ذکر است مبانی فقهی ابتدای نظام قانون‌گذاری بر شریعت اسلام در اصل چهارم قانون اساسی مورد تبیین قرار گرفته است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: کعبی، عباس، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴، صص ۲۱۸-۲۲۱

نظر قرارداد شده و دانش انسان و عقل بشری با وجود ارزش فراوانی که در منابع شیعی برای آن ذکر گردیده توانایی تنظیم قواعد و مقررات جامعی را برای سعادت و هدایت انسان و سامان بخشی به زندگی اجتماعی و حل و فصل نزاع‌های بشری ندارد؛ انسان نمی‌تواند برای عرصه‌های اجتماعی زندگی خود قوانین سعادت‌مندانانه‌ای وضع نماید^(۱). از سوی دیگر به استناد ادله‌ی عقلی و نقلی^(۲) فراوانی قانون‌گذاری در اندیشه‌ی اسلامی در انحصار خداوند متعال قرار دارد؛ چرا که اولاً کسی که امر و نهی می‌کند، باید حقی نسبت به دیگران داشته باشد؛ ثانیاً هیچ وجودی جز خدای متعال اصالتاً نسبت به موجودات حق ندارد و در نتیجه تنها باری تعالی به عنوان مالک و صاحب همه‌ی موجودات دارای حق امر و نهی می‌باشد.^(۳) امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «کسی جز خدا حق حکومت بر کسی را ندارد، و حق قانون‌گذاری را نیز ندارد و خداوند به حکم عقل باید خود برای مردم حکومت تشکیل دهد و قانون وضع کند اما قانون همان اسلام است»^(۴).

علاوه بر این شیعیان با استناد به آیات قرآن کریم^(۵) و روایات معتبر تاریخی^(۱) که

۱. جوادی آملی عبد الله، تفسیر موضوعی قرآن (جامعه در قرآن)، ج ۱۷، قم: اسرا، ۱۳۸۸، صص ۲۰ و ۲۱.
 ۲. برای نمونه می‌توان به آیات زیر در خصوص انحصار حاکمیت و حق قانون‌گذاری به خداوند متعال اشاره نمود:

«إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ» «حکم [قانون و یا حکومت] تنها از آن خداوند است» (انعام: ۵۷)
 «أَلَا لَهُ الْحُكْمُ» «همانا حکم تنها از آن اوست» (انعام: ۶۲)

وَأَنَّ الْحُكْمَ يَبْتَغِيهِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يَرِيءُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْتَغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (ای پیامبر) بدانچه خدا نازل فرموده، بین مردم حکم (یا حکومت) کن و هواهای آنها را پیروی مدار و از اینکه تو را نسبت به برخی از آنچه خدا بر تو فرود آورده به فتنه اندازند، برحذر باش... آیا اینان حکم جاهلیت را می‌طلبند، و برای ایمان‌باوران چه کسی در حکم بهتر از خداوند است؟» (مائده: ۴۹ و ۵۰) (منتظری حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابو الفضل، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ، ج ۳، ص ۱۲۰)

۳. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱، ص ۲۴۷

۴. موسوی خمینی، روح الله، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ص ۳۵۳

۵. از جمله آیات مطرح در این زمینه می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

۱- آیه اولی الامر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ» ای کسانی که ایمان

آوردهد! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را. (نساء آیه ۵۹)

برای نمونه علامه بحرانی در مقام تفسیر این آیه به روایتی از جابر ابن عبدالله انصاری به نقل از پیامبر (ص) اشاره می‌نماید و می‌نویسد: از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که پس از نزول آیه شریفه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم، یا رسول خدا ما خدا و رسول او را شناختیم و لازم است که «اولی الامر» را هم که این آیه اطاعت آنها را واجب شمرده است بشناسیم، مقصود از «اولی الامر» را برای ما بیان فرمایید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اول آنها حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام، سپس حسن بن علی علیه السلام، و بعد حسین بن علی علیه السلام و علی بن حسین علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام که در تواتر به باقر معروف است (پیامبر به جابر مژده می‌دهد که در دوران پیری آن حضرت را درک خواهی کرد و به او می‌فرماید که سلام مرا به او برسان) سپس جعفر بن محمد علیه السلام و موسی بن جعفر علیه السلام و علی بن موسی علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و علی بن محمد علیه السلام و حسن علیه السلام و آنگاه فرزند آن بزرگوار که نام و کنیه وی با نام و کنیه من یکی است و آن وجود مبارک کسی است که خداوند او را بر همه جهان و سراسر گیتی مسلط خواهد ساخت و اوست که از انظار پنهان و غیبت وی طولانی خواهد شد تا آن جا تنها افرادی همچنان معتقد به امامت وی، باقی می‌مانند که از ایمانی محکم و راسخ برخوردارند. (سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۰۳)

۲- آیه تطهیر: إِنَّمَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِذَهَبٍ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (احزاب آیه ۳۳)

۳- آیه ولایت: إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيْمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند. (مانده آیه ۵۵)

۴- آیه تبلیغ: يَا أَيُّهَا الرَّسُوْلُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِيْنَ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام ندهای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی)

مردم، نگاه می‌دارد و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند. (مانده آیه ۶۷)

۵- آیه اكمال دین (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيْنًا) امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم. (مانده آیه ۳)

۱. برای نمونه می‌توان به روایات زیر اشاره نمود:

۱- روایت ثقلین: قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا- كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي - وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: من دو چیز گرانبها را در اختیار شما قرار می‌دهم که اگر بدان چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد قرآن و اهل بیتم. (محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۳۴)

۲- روایت منزلت: «انت مَنِّي بمنزلة هارون من موسى أَلَا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» تو نزد من به منزله هارون نزد

از ناحیه‌ی پیامبر اکرم (ص) نقل گردیده است بر این باورند که مسیر دستیابی به هدایت صحیح و کامل از مجرای امیرالمومنین (ع) و ۱۱ فرزند معصوم ایشان میسر می‌گردد. شیعیان معتقدند که با رفتن پیامبر اکرم (ص) هر چند جریان وحی و نبوت خاتمه یافت، اما مسئولیت‌های پیامبر (ص) غیر از ابلاغ وحی پایان نپذیرفته و بعد از درگذشت ایشان به شخصیت آگاه و وارسته‌ای، به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر (ص)، و امام و پیشوای مسلمانان نیاز بوده و هست. بر همین اساس به گواه تاریخ پیامبر اسلام (ص) مکررا در طول حیات خویش امیرالمومنین (ع) و فرزندان ایشان را به عنوان جانشینان خود معرفی فرمودند. لذا دستیابی به سعادت و کمال بشری از رهگذر حرکت در مسیر اهل بیت عصمت و طهارت ممکن می‌باشد.^(۱) در نتیجه با نگاهی به مجموعه‌ی آیات و روایات وارده که در زمینه‌ی ولایت ائمه‌ی معصومین مورد استناد قرار گرفته است، می‌توان گفت که ولایت برای پیامبر اکرم (ص) و سایر ائمه معصومین (ع) ثابت و حتمی است و ذات پاک رسول خدا (ص) همان‌گونه که پیام‌آور از جانب خداوند و خاتم پیامبران بود فرمانروا و حاکم و اولی به تصرف در امور مسلمین نیز بود و مردم نیز موظف به اطاعت از ایشان در اوامر مولوی و دستورات حکومتی بودند. همچنین بر اساس اخبار

موسی هستی مگر آن که بعد از من دیگر نبی نخواهد بود. (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۰۷)

۳- روایت سفینه نوح: پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید «ألا ان مثل أهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح من قومه، من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق» «مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است، هر کسی از آن تخلف کند در آتش قرار خواهد گرفت» (محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۳۴)

۴- «من سره ان یحیی حیاتی، و یموت مماتی، و یسکن جنه عدن غرسها ربی، فلیوال علیا من بعدی و لیوال ولیه و لیقتد بالائمه من بعدی، فانهم عترتی خلقوا من طیبتی، رزقوا فهما و علما، و ویل للمکذبین بفضلهم من امتی، الفاطعین فیهم صلتی، لانا لله الله شفاعتی». هر کس خشنود می‌شود که همچون من زندگی کند، همچون من بمیرد و در بهشت جاودانی که پروردگارم آن را بنا کرده مسکن گزیند، پس از من از علی پیروی کند و با هر کس که از او پیروی می‌کند هم پیمان باشد. و از پیشوایانی که پس از من می‌آیند تبعیت کند؛ چراکه آنها از خاندان من هستند، از سرشت من آفریده شده اند، و دانش و بینش به آنها ارزانی شده است. بدا به حال کسانی که امت من برتری آنها را تکذیب کند، و پیوندی را که من با آنها دارم بگسلد. خداوند شفاعت مرا شامل حال این گروه [از امت من] نسازد. (مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوارالجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۶، ص ۲۶۹)

۱. سبحانی جعفر، منشور عقاید امامیه، تهران: موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹-۱۵۰

وارد اهل بیت عصمت و طهارت مفترض الطاعه بوده و مخالفت با آنان همانند مخالفت با خداوند تبارک و تعالی است.^(۱) در نتیجه مبتنی بر آنچه ذکر گردید، رسمیت اسلام و تشیع و لزوم انطباق قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران با آموزه‌های اسلامی و شیعی دارای مبانی مستحکم فقهی و کلامی است. به بیان دیگر از آنجا که بر اساس اصول مسلم عقلی و فلسفی در عرصه‌ی حکمرانی، تبعیت نظام سیاسی از قانون و تبعیت قانون از نظام معرفتی و اعتقادی مورد پذیرش جامعه امری بدیهی محسوب می‌گردد و تفکیک میان نظام‌های مذکور غیر ممکن به نظر می‌رسد^(۲)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مبتنی بر اصول اعتقادی مردم، اقدام به اساسی‌سازی موضوعات دین و مذهب و رسمیت‌بخشی به آن‌ها کرده است.

بند سوم: آثار رسمیت دین اسلام و مذهب جعفری در قانون اساسی

پس از آن‌که مبانی فقهی و کلامی رسمیت اسلام و مذهب شیعه‌ی جعفری روشن گردید، ضروری است که به بررسی آثار ذکر دین و مذهب و رسمیت آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود. از همین رو در ادامه مهم‌ترین آثار این موضوع مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد:

۱- نفی تکثرگرایی دینی

یکی از آثار اصل ۱۲ قانون اساسی نفی تکثرگرایی دینی است. در تبیین این موضوع باید بیان نمود که تکثرگرایی یا پلورالیسم در اصطلاح در معنای پذیرش کثرت و طرد و نفی انحصار در وجوه گوناگون فلسفه، سیاست، اجتماع، فرهنگ، دین و ... می‌باشد. بر همین اساس مقصود از پلورالیسم یا تکثرگرایی دینی آن است که همه یا مجموعه‌ای از ادیان در عصر واحد از حقانیت و نجات‌بخشی برخوردارند.^(۳) به بیان دقیق‌تر تکثرگرایی در مقام بیان نفی انحصار حقانیت یا نجات‌بخشی از دین واحد و گسترش آن به همه یا مجموعه‌ای از ادیان است، به گونه‌ای که هر یک از ادیان بخشی از حق مطلق را به نمایش می‌گذارند.^(۴) بر این اساس هم اسلام، هم یهودیت و هم

۱. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ۱۶۹
۲. بحرانی، محمد سند، أسس النظام السياسي عند الإمامیه، قم: مکتبه فدک، ۱۴۲۶ هـ ق، ۱۴۷
۳. اسلامی، علی، پلورالیسم دینی از منظر قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹، ص ۲۷
۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر

مسیحیت حق تلقی می‌شوند و پیروان آن‌ها می‌توانند به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی نمایند. به بیان ساده پلورالیسم بیان می‌دارد که راه به سوی خدا منحصر به یک راه نیست بلکه تمام راه‌ها به خدا می‌رسد.^(۱) لازم به ذکر است که مقصود مورد نظر از تکثرگرایی در پژوهش حاضر تکثرگرایی عرضی است. به این معنا که وجود تعدد در ادیان آسمانی و ظهور یک دین پس از دین دیگر مورد بحث نیست، بلکه مقصود حجیت و حقانیت همه‌ی آن‌ها در یک زمان و در عرض یکدیگر است.

اصلی‌ترین شاخه‌های تکثرگرایی دینی را می‌توان در موضوعات حقانیت، نجات و رستگاری، همزیستی اجتماعی مطالعه نمود. بر مبنای پلورالیسم حقانیت، همه‌ی ادیان از حقایق برخوردارند و راه‌های گوناگونی به سمت حقیقت مطلق می‌باشند. همچنین بر مبنای تکثرگرایی نجات و رستگاری، پیروان ادیان مختلف اهل نجات بوده و بر مبنای تکثرگرایی اجتماعی نیز همه‌ی آن‌ها می‌توانند زندگی مسالمت‌آمیزی در کنار یکدیگر داشته باشند.^(۲)

معتقدین به اندیشه‌ی تکثرگرایی دینی در شاخه‌ی حقانیت بر این باورند که همه‌ی ادیان در عصر واحد بهره‌هایی از حق مطلق دارند، کلام خود را مستند به آیات قرآنی بیان می‌دارند و معتقدند آیاتی که به موضوع کثرت خداخواسته‌ی ادیان^(۳)، صراط‌های مستقیم^(۴)، کفایت توحید و عمل صالح در رستگاری بدون اعتقاد به دین خاص^(۱)،

تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۵۰۵

۱. مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، ۶ جلد، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام،

۱۴۲۴ هـ ق، ج ۴، ص: ۱۳۰

۲. اسلامی، علی، پلورالیسم دینی از منظر قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹، صص ۳۷-۳۸

۳. برای نمونه می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

«وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّئُهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...؛ و برای هر قومی قبله ای است که وی [خدا] آن را قبله آنان قرار داده است، پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی بگیرید...». (بقره: ۱۴۸) و «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...؛ برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راهی روشن قرار داده ایم و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد؛ ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید، پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت بگیرید...». (مائده: ۴۸)

۴: «قُلْ إِنِّي هَدَيْتُ رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا؛ بگو: آری، پروردگام مرا به راه راست هدایت کرده است: دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای...». (انعام: ۱۶۱) در خصوص ارتباط این آیه با این

اسلام مطلق تسلیم در برابر خداوند^(۲)، تمجید اهل کتاب و وعده‌ی ثواب و دوری از عذاب^(۳) و ... پرداخته، بیان‌گر نوعی تکثرگرایی دینی است.^(۴) برای نمونه این دسته با استناد به این آیه‌ی قرآن کریم که می‌فرماید: «در حقیقت کسانی که [به اسلام] ایمان آورده و کسانی که یهودی شده‌اند و مسیحیان و صابئان، هرکس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد»^(۵) بر این موضوع تاکید می‌نمایند که بر اساس این آیه همه‌ی مردم از هر دینی در صورت ایمان و عمل صالح اهل نجاتند. به بیان دقیق‌تر آن‌ها بر این باورند که در تبیین ملاک‌های هدایت و رستگاری تنها به سه اصل ایمان به خداوند متعال، معاد و عمل صالح بسنده شده و

موضوع باید بیان نمود که «در باور پلورالیست‌ها قرآن سخن از «صراط مستقیم» به صورت مطلق و نکره می‌گوید که مقصود از کاربرد آن به صورت نکره و نه به صورت معرفه «الصراط المستقیم»، ابلاغ این نکته است که هر پیامبری برای خود و امتش یک «صراط مستقیم» دارد، و ما با کثرت پیامبران و یا لاقل پیامبران صاحب شریعت، نه با یک صراط مستقیم که با صراطهای مستقیم مواجه خواهیم بود.» (قدردان قراملکی، محمد حسن، نقد مدعیات قرآنی پلورالیسم دینی، قیسات، شماره ۳۷، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳)

۱. «بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آری، هرکس که خود را با تمام وجود به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد پس مزد وی نزد پروردگار اوست و بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد.» (بقره: ۱۱۲)

۲. رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ وَ ارِنَا مَنَاسِكَتَنَا وَ تُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. پروردگارا! ما را [با همه وجود] تسلیم خود قرار ده، و نیز از دودمان ما امتی که تسلیم تو باشند پدید آر، و راه و رسم عبادت‌مان را به ما نشان ده، و توبه ما را بپذیر، که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی» (بقره: ۱۲۸)

۳. «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ— بی‌تردید از اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و آنچه به سوی شما نازل شده و آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان می‌آورند، در حالی که در برابر خدا فروتن و خاکسار بوده، آیات خدا را به بهای اندک نمی‌فروشند. برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است یقیناً خدا حسابرسی سریع است» (آل‌عمران: ۱۹۹)

۴. به نقل از اسلامی، علی، پلورالیسم دینی از منظر قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹، صص ۴۹-۱۸۵ و قدردان قراملکی، محمد حسن، نقد مدعیات قرآنی پلورالیسم دینی، قیسات، شماره ۳۷، ۱۳۸۴، صص ۱۳۷-۱۵۸

۵. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (بقره/۶۲، ۲)

قیود دیگری از جمله اعتقاد به آموزه‌های اسلامی اصلاً مورد توجه و اعتنا قرار نگرفته است و در صورت لزوم اعتبار آن باید مورد اشاره قرار می‌گرفت؛ چرا که عدم ذکر آن مستلزم جهل بندگان بوده و این موضوع از جانب آفریدگار حکیم محال به نظر می‌رسد. بر این مبنا در صورتی که پیروان هر یک از آیین‌های ذکر شده در آیه به سه آموزه‌ی فوق‌الذکر ایمان بیاورند، اهل هدایت و رستگاری خواهند بود.^(۱)

این در حالی است که در کنار پاسخ‌های ارائه شده از نظر نحوه‌ی تفسیر و تاویل به این دست آیات، باید بیان نمود که صریح آیات قرآن کریم و روایات وارده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین، این موضوع را رد می‌نمایند و اسلام را تنها مسیر سعادت بشر معرفی می‌نمایند^(۲). در این خصوص باید بیان نمود مجموعه آیاتی همانند آیات مربوط به رسالت جهانی پیامبر^(۳)، آیات مربوط به دعوت اهل کتاب به اسلام^(۴)، آیات مربوط به نهی تغییر اسلام و ارتداد^(۵)، آیات مربوط به پیمان گرفتن از همه‌ی انبیاء و

۱. به نقل از خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی، تهران: مرکز نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۲، ص ۵۴۹
 ۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: ارسطو، محمدجواد، پلورالیسم دینی و قرآن، قیسات شماره ۲۳، ۱۳۸۱، صص ۱۲-۱۹- قدردان قراملکی، محمد حسن، نقد مدعیات قرآنی پلورالیسم دینی، قیسات، شماره ۳۷، ۱۳۸۴، صص ۱۳۷-۱۵۸

۳. قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ- بگو: ای مردم! یقیناً من فرستاده خدا به سوی همه شمایم خدایی که مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سطره اوست، جز او معبودی نیست، زنده می‌کند و می‌میراند، پس به خدا و رسول او پیامبر ناخوانده درس که به خدا و تمام سخنان او ایمان دارد ایمان بیاورید، و از او پیروی کنید تا هدایت یابید (سوره اعراف: آیه ۱۵۸)

۴. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (۱۵) يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱۶) ای اهل کتاب! یقیناً پیامبر ما به سوی شما آمد که بسیاری از آنچه را که شما از کتاب [تورات و انجیل درباره نشانه‌های او و قرآن] همواره پنهان می‌داشتید برای شما بیان می‌کند، و از بسیاری [از پنهان کاری‌های ناروای شما هم] درمی‌گذرد. بی‌تردید از سوی خدا برای شما نور و کتابی روشنگر آمده است. (۱۵) خدا به وسیله آن [نور و کتاب] کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راه‌های سلامت راهنمایی می‌کند، و آنان را به توفیق خود از تاریکی‌های جهل، کفر، شرک و نفاق] به سوی روشنایی [معرفت، ایمان و عمل صالح] بیرون می‌آورد، و به جانب راه راست هدایت می‌کند. (۱۶) (سوره مائده)

۵. أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَن يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ- بلکه می‌خواهید از پیامبرتان [کارهای نامعقول و بیهوده] درخواست کنید، همان گونه که پیش

امت‌های پیشین در پیروی از پیامبر اسلام (ص)^(۱)، آیات مربوط به ارسال قرآن کریم به عنوان کتاب فرستاده شده برای سعادت و هدایت همه‌ی جهانیان^(۲)، آیات مربوط به وعده‌ی الهی در زمینه‌ی پیروزی اسلام بر همه‌ی ادیان و گسترش جهانی آن^(۳) و آیات مربوط به تصریح قرآن در زمینه‌ی تحریف سایر کتب آسمانی^(۴) از جمله آیاتی است که

از این از موسی درخواست شد؟ و کسی که کفر را به جای ایمان اختیار کند، تحقیقاً راه راست را گم کرده است. (سوره بقره: آیه ۱۰۸)

۱. وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَٰلِكُمْ إِنصِرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِّنَ الشَّاهِدِينَ (۸۱) فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۸۲) (و [یاد کنید] هنگامی که خدا از همه پیامبران [و امت‌هایشان] پیمان گرفت که: هرگاه کتاب و حکمت به شما دادم، سپس [در آینده] پیامبری برای شما آمد که آنچه را [از کتاب‌های آسمانی] نزد شماست تصدیق کرد، قطعاً باید به او ایمان آورید و وی را یاری دهید. [آن گاه خدا] فرمود: آیا اقرار کردید و بر این [حقیقت] پیمان محکم مرا [به صورتی که به آن وفا کنید] دریافت نمودید؟ گفتند: اقرار کردیم. فرمود: پس [بر این پیمان] گواه باشید و من هم با شما از گواهانم. (۸۱) پس کسانی که بعد از این [پیمان محکم و استوار] روی گردانند، آنانند که فاسقند. (۸۲)) (سوره آل عمران)

۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا - ای مردم! یقیناً از سوی پروردگارتان برای شما برهان [و دلیلی چون پیامبر و معجزاتش] آمد و نور روشنگری [مانند قرآن] به سوی شما نازل کردیم. (سوره نساء: آیه ۱۷۴)

۳. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ - اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند (سوره توبه: آیه ۳۳)

۴. مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُخَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا وَ أَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَ رَاعِنَا لِيَا بِالسِّيْتِهِمْ وَ طَعْنَا فِي الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أَسْمَعُ وَ أَنْظَرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لَكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا - برخی از کسانی که یهودی‌اند، حقایق [کتاب آسمانی] را [با تفسیرهای نابجا و تحلیل‌های غلط و ناصواب] از جایگاه‌های اصلی و معانی حقیقی‌اش تغییر می‌دهند، و [به زبان ظاهر به پیامبر] می‌گویند: [دعوت را] شنیدیم و [به باطن می‌گویند]: نافرمانی کردیم و [از روی توهین به پیامبر بر ضد او فریاد می‌زنند: سخنان ما را] بشنو که [ای کاش] ناشنوا شوی. و با پیچ و خم دادن زبان و آوازشان و به نیت عیب‌جویی از دین [به آهنگی، کلمه] را عیناً [را که در عربی به معنای «ما را رعایت کن» است، تلفظ می‌کنند که برای شنونده، راعیناً که معنایی خارج از ادب دارد، تداعی می‌شود]. و اگر آنان [به جای این همه اهانت از روی صدق و حقیقت] می‌گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم و [سخنان ما را] بشنو و ما را مهلت ده [تا معارف اسلام را درک کنیم] قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود، ولی خدا آنان را به سبب کفرشان لعنت کرده، پس جز عده اندکی ایمان نمی‌آورند. (سوره نساء: آیه ۴۶)

از آن‌ها نفی پلورالیسم دینی و نفی حقانیت همه‌ی ادیان استنباط می‌گردد.^(۱) مقام معظم رهبری در مقام نقد نظریه‌ی پلورالیسم در منطق اسلامی می‌فرماید: «قرآن می‌فرماید که «قولوا امنا بالله و ما انزل الینا و ما انزل الی ابرهیم و اسمعیل و ... و ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی [النبیون^(۲)»، بعد از آنکه همه‌ی آن شرایع قبلی را ذکر می‌کند که وظیفه‌ی مسلمان این است که به آنها اعتقاد داشته باشد، بعد می‌فرماید: فان امنوا بمثل ما امنتتم به فقد اهتدوا. اسلام پلورالیسم را قبول ندارد؛ آنهایی که ترویج می‌کنند که «اسلام چون از حضرت موسی و حضرت عیسی تجلیل کرده است، قائل به پلورالیسم است» به قرآن مراجعه کنند، متون اسلامی را ملاحظه کنند؛ از روی بی‌اطلاعی و از روی غفلت، یک مطلبی را ذکر می‌کنند؛ اسلام این است: فان امنوا بمثل ما امنتتم به فقد اهتدوا و ان تولوا فانما هم فی شقاق فسیکفیکهم الله^(۳)؛ این معنای قرآن [است].^(۴) بر این اساس در اندیشه‌ی اسلامی موضوع تکثرگرایی و پلورالیسم دینی نفی گردیده و آموزه‌های اسلامی به عنوان یگانه راه حقانی و تنها مسیر سعادت بشری معرفی گردیده است. بر همین اساس اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن نفی نگاه تکثرگرایانه به موضوع حقانیت و نجات‌بخشی دین، دین اسلام را به عنوان دین رسمی کشور ایران معرفی می‌نماید. هر چند مبتنی بر آموزه‌های اسلامی^(۵) قانون اساسی در اصل ۱۳ ضمن

۱. جوادی آملی، عبدالله، دین‌شناسی، قم: انتشارات اسراء، بی‌تا، صص ۲۲۲-۲۲۶ و گرجیان، محمد مهدی و ایلقار اسماعیل‌زاده، نقد و بررسی پلورالیسم حقانیت از نگاه قرآن کریم، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۳۴، (۶۹ تا ۹۸)، ۱۳۸۹، صص ۷۲ و ۷۳

۲. [شما مردم مؤمن از روی حقیقت] بگویید [و اقرار کنید]: ما به خدا و آنچه به سوی ما نازل شده، و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوت] آنان فرود آمده، و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم میان هیچ یک از آنان [در اینکه از سوی خدا برای هدایت مردم مبعوث شده‌اند] فرقی نمی‌گذاریم، و ما در برابر او تسلیم هستیم. (سوره بقره: آیه ۱۳۶)

۳. پس اگر آنان هم به آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید، ایمان آورند [که ایمان به قرآن و به پیامبر است] مسلماً هدایت یافته‌اند، و اگر روی برتابند جز این نیست که در ستیز و دشمنی‌اند پس به زودی خدا شراً آنان را [به] کشته شدن یا آوارگی از خانه و کاشانه] دفع خواهد کرد و او شنوا و داناست. (سوره بقره: آیه ۱۳۷)

۴. ۱۳۹۳/۱۰/۱۹- بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی

۵. جوادی آملی، دین‌شناسی، همان، ص ۱۹۸. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «اسلام به مسلمانان سفارش می‌کند تا با یک‌دیگر و با پیروان ادیان آسمانی و مکاتب دیگر بشری با عدل و مسالمت رفتار

اشاره به اقلیت‌های دینی شناخته شده حقوقی را در راستای زندگی مسالمت‌آمیز در نظام جمهوری اسلامی برای آنان مفروض می‌دارد.

۲- رسمیت مذهب جعفری اثنی عشری شاخه‌ای برای انطباق قوانین و مقررات

همان‌گونه که پیش از این بیان گردید یکی از مظاهر رسمیت مذهب جعفری لزوم انطباق قوانین و مقررات کشور با آموزه‌های فقه جعفری است. در خصوص این موضوع باید به نکات زیر اشاره نمود:

اولا از آن‌جا که در میان مذاهب گوناگون اسلامی اعم از مذاهب شیعه و سنی اختلافات فراوانی در حوزه‌ی مسائل و فروع فقهی وجود دارد و تصویب باید و نبایدهایی برای اداره‌ی امور فردی و اجتماعی جامعه نیازمند یک رویه‌ی واحد در امر قانون‌گذاری است، امکان تعیین همه‌ی مذاهب به عنوان مذهب رسمی و انطباق قوانین و مقررات با آن‌ها نیست؛ چرا که رسمیت یافتن همه‌ی مذاهب در عمل غیرممکن بوده و در غیر این‌صورت نظم حقوقی و فلسفه‌ی ابتدایی قانون زیر سؤال خواهد رفت. از همین رو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر انطباق قوانین و مقررات با آموزه‌های فقه جعفری اثنی عشری تاکید می‌نماید.

ثانیا؛ عبارت «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است» به معنای تشکیل حکومت اسلامی شیعی در برابر حکومت‌های سنی نیست. به بیان دقیق‌تر هر چند قانون‌گذار اساسی در اصل ۱۲ قانون اساسی مذهب جعفری اثنی عشری را مذهب رسمی ایران می‌داند و بر لزوم انطباق قوانین و مقررات با آن تاکید می‌کند، اما به هیچ وجه در مقام تایید و اساسی‌سازی تقسیم‌بندی مرسوم میان

شود. این مطلب قرآنی است و نظام اسلامی نیز در عمل بر این روال حرکت می‌کند. براساس قرآن کریم: ۱- مؤمنان و مسلمنان باید با یک‌دیگر زندگی مسالمت‌آمیز و برادرانه داشته باشند: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَوْحِيكُمْ)؛ در حقیقت، مؤمنان با هم برادران دینی‌اند. پس، بین آنان اصلاح کنید. ۲- همچنین آنان باید با موحدانی که در نظام اسلامی زندگی می‌کنند؛ مانند یهودیان و مسیحیان که معتقد به خدا و نبوت الهی‌اند و به دیگر سخن، از یک نظر اهل توحیدند مگر معتقدان عمده «ثنلیت» یا «تشیبه» با مسالمت رفتار کنند. ۳- نیز با کفار و ملحدانی که در اثر پیروی مکتب الحادی و مادی، موحد نبوده و به مبدأ و معاد اعتقادی ندارند، ولی در صدد براندازی نظام اسلامی نیستند، بلکه حاضرند با مسلمنان زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند، با مسالمت رفتار کنند؛ زیرا اگر با نظام اسلامی درگیر شده و در صدد براندازی نظام باشند، اسلام دستور دفاع و مقابله با آن‌ها را داده است.»

مسلمانان به شیعه و سنی و رسمیت بخشی به شیعیان در برابر اهل سنت نبوده و تنها در پی بیان یک مذهب اسلامی به عنوان مذهب مرجع و رسمی در تدوین بایدها و نبایدهای اجتماعی است. این موضوع علاوه بر آن که به استناد اصل ۱۱ قانون اساسی و حکم به تشکیل امت واحده‌ی اسلامی قابل اثبات است، همواره مورد تاکید رهبران عالی نظام جمهوری اسلامی قرار داشته که حکومت اسلامی ایران حکومتی شیعی در برابر حکومت‌های سنی نیست.^(۱) در نتیجه به نظر می‌رسد استفاده از عبارت مذهب جعفری در اصل، بیان‌گر مبنا قرار گرفتن شیوه و نحوه‌ی استنباط فقهای شیعه است.

ثالثاً؛ تعیین یک مذهب اسلامی به عنوان مذهب رسمی که به لزوم انطباق قوانین و مقررات جامعه با آموزه‌های فقهی آن اشاره دارد، در نحوه‌ی حکمرانی حکومت‌های اسلامی دارای سابقه است. به عنوان نمونه‌ی تاریخی، مذهب حنفی در حکومت سنی عثمانی^(۲) بسیار توسعه یافت و مذهب رسمی آن دولت محسوب گردید.^(۳) بر همین اساس تحول بزرگی در فقه اهل سنت ایجاد شده و دولت عثمانی که به منظور ایجاد نظم در امور حکومت، محاکم نظامی تشکیل داده بود، به منظور اجرای احکام شرعی نیاز به دستورالعمل‌های روشن و شفاف داشت؛ از همین رو با درخواست از عده‌ای از علمای حنفی بر آن شد تا بخشی از احکام شرعی منطبق با فقه حنفی در بخش معاملات را به شیوه مواد قانونی گردآوری کنند و حاصل این تلاش‌ها کتاب قانونی با

۱. برای نمونه رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «ما به توفیق الهی و به فضل الهی از محدودیت اختلاف مذهبی عبور کردیم. ما همان کمکی را که به حزب‌الله لبنان کردیم که شیعه است، همان کمک را به حماس کردیم و به جهاد کردیم و باز هم خواهیم کرد. ما اسیر محدودیت‌های مذهبی نشدیم؛ ما نگفتیم این شیعه است، این سنی است، این حنفی است، این حنبلی است، این شافعی است، این زیدی است؛ ما نگاه کردیم به آن هدف اصلی و کمک کردیم و توانستیم مشت برادران فلسطینی‌مان را در غزه و در مناطق دیگر تقویت کنیم و ان‌شاءالله ادامه خواهیم داد.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» - ۱۳۹۳/۹/۴)

۲. «شروع این دوره، با تأسیس دولت عثمانی در قرن سیزدهم صورت گرفت. دولت عثمانی در مشرق ظهور کرد و به سمت غرب پیش رفت و در زمان سلطان محمد فاتح، از پادشاهان دولت عثمانی «قسطنطنیه» فتح شد. اسلام تا نیمی از اروپا را در بر گرفت و عمده‌ی کشورهای اسلامی، کشور واحدی را تشکیل دادند و به همین سبب، مسلمانان دارای شوکت و عظمتی فوق العاده شدند.» (مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ه.ق، ص ۱۴۸)

۳. ساعدی، محمد باقر، فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ۴ جلد، قم: انتشارات فیروزآبادی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۷۴

عنوان «مجله الاحکام العدلیه»^(۱) شد^(۲) که نمونه‌ی تاریخی در زمینه‌ی رسمیت یکی از مذاهب اهل سنت به شمار می‌آید. در نتیجه تعیین یک مذهب به عنوان مذهب رسمی برای انطباق قوانین و مقررات مصوب با آموزه‌های آن مساله‌ی جدیدی در تاریخ حکومت‌های اسلامی محسوب نمی‌گردد.

۳- الزام قوانین و مقررات به حمایت از دین و مذهب رسمی

علاوه بر این، یکی از آثار مهم حقوقی این حکم قانون اساسی آن است که باید تمامی قوانین و مقررات کشور سلباً و ایجاباً در راستای تحقق دین و مذهب رسمی باشد. در تبیین این موضوع باید بیان نمود، نهاد قانون‌گذار کشور موظف است مطابق با آموزه‌های دینی اقدام به قانون‌گذاری آن دسته از احکام و دستورات شرعی نماید که موجب استحکام پایه‌های دین اسلام و مذهب جعفری می‌گردد. از جمله‌ی این دستورات می‌توان به حکم حرمت ارتداد، وجوب جهاد و ... اشاره نمود. مضاف بر این هر آن‌چه موجب تضعیف دین و مذهب رسمی کشور نیز می‌گردد، باید به استناد اصل ۱۲ جرم‌انگاری گردیده و با آن مقابله شود. برای نمونه هرگونه عملی که عاملی برای تغییر مذهب رسمی کشور تلقی گردد همانند ترویج سایر اعتقادات در راستای تضعیف مذهب رسمی باید به استناد اصل ۱۲ قانون اساسی جرم محسوب شود. علاوه بر این بر اساس متن اصل ۱۲، «این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است». در حقیقت هر چند این حکم یک حکم تشریحی محسوب می‌گردد، اما هر گونه تغییر و تجدیدنظر در قانون اساسی و سایر مقررات لازم‌الاجرا در جمهوری اسلامی ایران باید با رویکرد پاسداری از اسلام و مذهب شیعه‌ی جعفری اثنی عشری صورت پذیرد.

۱. «این مجله در واقع دستورالعمل‌های واحد قضایی برای دادگاه‌ها بود، که توسط جمعی به صورت قانون مدنی عام، منتشر می‌شد. این جمع به وسیله گروهی هفت نفره، به ریاست احمد جودت پاشا تشکیل می‌شد. مبنای کار آنان، این بود که، قوانین را به سادگی، خالی از نقل اقوال مختلف و بر اساس یک رأی و نظر، در اختیار مجامع ذی ربط قرار دهند. این مجله در نهایت، دارای ۱۸۵۱ ماده گردید؛ که از یک مقدمه و شانزده کتاب تشکیل شد، شانزده کتاب عبارت بود از: بیوع، اجارات، کفالت، حواله، رهن، امانت، هبه، غضب و اتلاف (یک کتاب)، شرکت، وکالت، صلح و ایبر (یک کتاب)، شفعه و حَجْر و اکراه (یک کتاب)، اقرار، دعوی، قضا، بینه و سوگند (یک کتاب)» (مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ه.ق، ص ۱۴۸)
۲. مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، مأخذ شناسی قواعد فقهی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ ه.ق، ص ۲۷

مبحث دوم: مبانی فقهی و آثار احترام و آزادی سایر مذاهب اسلامی

قانون اساسی در اصل ۱۲ علاوه بر تبیین نوع رویکرد به دین و مذهب و جایگاه اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، به بیان جایگاه سایر مذاهب اسلامی نیز پرداخته است. بر این اساس اصل ۱۲ مقرر می‌دارد: «... مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعای مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.»

بر این اساس قانون‌گذار اساسی اقدام به اساسی‌سازی لزوم احترام به سایر مذاهب اسلامی و لزوم رعایت آزادی آن‌ها در انجام مراسمات مذهبی و همچنین صلاحیت مقررده‌گذاری در حیطه‌ی صلاحیت شوراهای محلی برای آن‌ها نموده است. در این خصوص آنچه دارای اهمیت به نظر می‌رسد، بررسی مبانی فقهی احترام و آزادی مذاهب اسلامی در منابع فقه شیعه (گفتار اول) و مطالعه‌ی آثار حقوقی این جایگاه برای سایر مذاهب اسلامی (گفتار دوم) است.

گفتار اول: مبانی فقهی احترام و آزادی سایر مذاهب اسلامی

در مقام تبیین و تحلیل مبانی فقهی و کلامی اصل ۱۲ قانون اساسی یکی از سوالات پایه‌ای و بنیادین، مطالعه علل و مبانی احترام و آزادی سایر مذاهب اسلامی از جمله حنفی^(۱)، شافعی^(۲)، مالکی^(۱)، حنبلی^(۲) و زیدی^(۳) در منابع فقه شیعه است. به

۱. مؤسس این مذهب، ابوحنیفه نعمان بن ثابت بود. مذهب وی در حکومت عثمانی مورد عنایت فراوان قرار گرفت و به عنوان مذهب رسمی شناخته شد؛ از این رو، مذهب حنفی در ترکیه، آسیای میانه، شام، مصر، تونس، یمن، عراق و بسیاری دیگر از بلاد نفوذ کرد. وی در فتوا دادن از کتاب خدا و سنت رسول خدا- به شرطی که متواتر باشد یا همه علما در همه شهرها بدان عمل کرده باشند و یا آن سنت را یکی از صحابه میان گروهی دیگر از صحابه نقل کند و کسی نیز با وی مخالفت نکند- بهره می‌جست. اگر سنتی نمی‌یافت به اجماع صحابه عمل می‌کرد و در صورت نبودن آن، به اجتهاد و قیاس و پس از آن به استحسان تمسک می‌جست. (مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ه.ق، صص ۱۳۸-۱۴۰)

۲. این مذهب منتسب است به ابو عبد الله، محمد بن ادریس بن عباس بن عثمان بن شافع، معروف

بیان دقیق‌تر قانون‌گذار اساسی مستند به کدام مبنای فقهی پس از تعیین مذهب جعفری اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی کشور، حکم به رعایت احترام و آزادی سایر

▶ به شافعی. مذهب شافعی حدّ فاصل میان مذهب حنفی و مالکی است. مذهب شافعی به دست شاگردانش در بسیاری از بلاد اسلامی گسترش یافت و در مصر و عراق و خراسان و ماوراءالنهر نفوذ کرد و رقیب نزدیک مذهب حنفی به شمار می‌رفت و امروزه در مصر، اردن، سوریه، لبنان، عراق، هند و اندونزی مذهب شافعی پیروان فراوانی دارد. شافعی در فتوا دادن، از کتاب، سنت، اجماع و قیاس بهره می‌گرفت؛ البته وی خیر واحد را از فرد موثّق - هر چند آن خیر مشهور نباشد (بر خلاف نظر ابوحنیفه) و هر چند موافق عمل مردم مدینه نباشد (بر خلاف شیوه مالک) - حجت می‌دانست. به تصریح برخی از اندیشمندان اهل سنت، فقه شافعی به فقه شیعه امامیه نزدیک و موارد اختلافی میان آنان، نسبت به دیگر مذاهب کمتر است (مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ه.ق، صص ۱۴۰ و ۱۴۱)

۱. این مذهب منتسب به مالک بن انس بن ابی عامر اصبحی است. وی دارای کتاب معروفی به نام موطأ مالک است که کتابی حدیثی و فقهی است. وی در فتوا دادن، افزون بر کتاب و سنت، به عمل اهل مدینه و فتوای صحابی استناد می‌جست و در رتبه بعد به قیاس و مصالح مرسله نیز عمل می‌کرد. ولی برخی می‌گویند بعد از کتاب و سنت، اجماع و قیاس و عمل اهل مدینه و فتوای صحابی و استحسان نزد وی اعتبار داشت. (مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ه.ق، صص ۱۴۰)

۲. مؤسس این مذهب، أبو عبد الله، احمد بن حنبل بن هلال شیبانی است. وی از محدثان بزرگ اهل سنت به شمار می‌آید و مُسند او، از اطلاع وی در عرصه حدیث گواهی می‌دهد. احمد در مسند خویش بیش از چهل هزار حدیث نقل کرده است. او فقه را از شافعی فرا گرفت. امروز مذهب غالب بر حجاز، قطر، فلسطین و بحرین، مذهب حنبلی است. شیوه احمد حنبل در استنباط فقهی، بدین صورت بود که نخست از نصوص کتاب و سنت استفاده می‌کرد؛ و در سنت از روایات مرسل و ضعیف نیز بهره می‌گرفت و به هنگام تعارض میان کتاب و سنت، کتاب الله را مقدم می‌شمرد؛ اگر سنتی نمی‌یافت به فتاوی صحابه تمسک می‌کرد؛ و به هنگام اختلاف نظر صحابه، نظری را که به کتاب الله و سنت نزدیک‌تر بود ترجیح می‌داد، و اگر نظری را نزدیک‌تر به کتاب و سنت نمی‌یافت، نظر اختلافی صحابه را در آن مسأله نقل می‌کرد، ولی خودش نظری را بر نمی‌گزید. وی حتی حدیث مرسل را بر قیاس مقدم می‌داشت و در صورتی که نصی از کتاب و سنت و یا سخنی از صحابه نمی‌یافت، به قیاس عمل می‌کرد و پس از آن استصحاب، سدّ ذرایع و مصالح مرسله را مستمسک قرار می‌داد. (مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ه.ق، صص ۱۴۱ و ۱۴۲)

۳. پیروان امامت زید بن علی بن حسین^(ع) که پس از واقعه کربلا و شهادت حسین بن علی^(ع) نخستین شهید خاندان رسالت بوده است. وی را در کلام شاگرد واصل بن عطاء پیشوای معتزله دانسته‌اند. هواخواهان امامت او نخست در نواحی جنوب دریای خزر و در مرکز ایران فراوان بودند و سپس در یمن بسیار شدند. (نعمانی، شبلی، تاریخ علم کلام، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۶ ش، ۱۴۷)

مذاهب اسلامی نموده است؟ از همین رو در ادامه به بررسی مبانی فقهی و کلامی این موضوع خواهیم پرداخت:

بند اول: تقیه مداراتی

یکی از مبانی فقهی لزوم احترام به مذاهب اسلامی و آزادی انجام مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه‌ی مذاهب اسلامی، تقیه مداراتی است. از تقیه در اندیشه‌ی فقهای شیعه تعاریف متعددی ارائه گردیده است. برای نمونه شیخ مفید در تعریف تقیه آورده است که «تقیه عبارت است از: مخفی کردن حق، پوشاندن عقیده حق و پنهان‌کاری در برابر مخالفان و ترک آشکارسازی با آنان در مورد چیزهایی که ضرر دینی یا دنیوی دارد.»^(۱) در تعریفی از شیخ طوسی نیز آمده است که مقصود از تقیه «به زبان آوردن چیزی است که بر خلاف اعتقاد قلبی است، به جهت ترس از جان باختن؛ در صورتی که آن‌چه را در دل دارد حق باشد.»^(۲) مرحوم محقق کرکی مراد از تقیه را اظهار موافقت با مخالفان به جهت ترس از آنان در چیزهایی می‌داند که آنان تحت عنوان دین، ملتزم به آن عمل باشند.^(۳)

به نظر می‌رسد در تبیین تعریف جامعی از مفهوم تقیه در دایره‌ی آموزه‌های فقه شیعه، می‌توان گفت تقیه عبارت است از «مخفی کردن حق از دیگران یا اظهار خلاف آن به جهت مصلحتی که مهم‌تر از مصلحت اظهار آن باشد.»^(۴) در مقام تحلیل تعریف ارائه شده به عنوان تعریف مختار باید بیان نمود که با به کارگیری واژه‌ی «حق» در تعریف تقیه به حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی اعم از اعتقادات، عبادات و معاملات اشاره دارد. علاوه بر این با قید «مخفی کردن حق یا اظهار خلاف آن» هر دو قسم تقیه‌ی کتمانی^(۵) و اظهاری^(۱) را مد نظر قرار می‌دهد، از آن جهت که قیدی نسبت

۱. شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۳۷

۲. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۴

۳. کرکی عاملی، علی بن حسین، رسائل المحقق الکرکی، ۳ جلد، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی و دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۲، ص ۵۱

۴. موسوی، سیدمحمد یعقوب، مبانی فقهی تقیه مداراتی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، بی تا، ص ۲۳

۵. «تقیه کتمانی به معنای کتمان و پنهان نمودن در مقابل افشا و روشن‌نگری است. مقصود اصلی از این قسم تقیه، حفظ مذهب حق اهل بیت - علیهم السلام - در برابر قدرت‌های باطل و حکومت‌های جائر است. (فاضل لنکرانی، محمد، تقیه مداراتی، فصل‌نامه میقات حج، شماره ۳، ۱۳۷۲، صص ۵۲ و ۵۳)

به فردی که نسبت به آن عقیده یا عمل پنهان می‌گردد وجود ندارد، شامل مسلمانان و کفار می‌گردد و از سوی دیگر با قید «به جهت مصلحتی که مهم‌تر از مصلحت اظهار آن باشد» به تقیه‌ی خوفی^(۲) و مداراتی نیز اشاره می‌نماید.^(۳) می‌توان تقیه را در ابعاد و اقسام گوناگونی مورد مطالعه قرار داد. برای نمونه تقیه از جهت حکم تکلیفی به پنج قسم واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام، از جهت حکم وضعی به تقیه‌ی صحیح و تقیه‌ی باطل، از جهت موضوع به تقیه‌کننده، تقیه‌شونده، مورد تقیه، کیفیت و شکل تقیه و انگیزه و علت تقیه، از جهت شکل و کیفیت به کنمانی و اظهاری و از جهت انگیزه به تقیه‌ی خوفی و تقیه‌ی مداراتی تقسیم می‌گردد.^(۴)

بر این اساس تقیه‌ی مداراتی به عنوان مبنایی برای احترام و آزادی سایر مذاهب اسلامی، یکی از اقسام تقیه بر اساس انگیزه و هدف است. مقصود از مدارات در لغت نرمی، لطف و مهربانی است^(۵) و مقصود از تقیه‌ی مداراتی عبارت است از مدارا، نرمش، خوش برخوردی و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر مذاهب و ادیان. به بیان دقیق‌تر تقیه مداراتی جلب دوستی مخالف، به سبب وحدت کلمه است، بی‌آنکه ضرری از سوی او، شخص را تهدید کند؛^(۶) از همین رو این قسم از تقیه را تقیه‌ی تحبیبی می‌نامند. امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «مراد از تقیه‌ی مداراتی آن است که خواسته‌ی

۱. منظور از تقیه‌ی اظهاری، آن است که تقیه‌کننده در ابتدا یا در پاسخ پرسش پرسشگر، خلاف واقع و حقیقت و باور خود را بنمایاند (موسوی، سیدمحمد یعقوب، مبانی فقهی تقیه مداراتی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، بی‌تا، ص ۷۰)

۲. در تعریف تقیه خوفی آمده است: «در صورتی که انسان در اثر انجام یک عمل صحیح و مطابق با مذهب و دین خویش، خوف و ترسی را بر جان، ناموس و مال خود و یا دیگران مشاهده کند، باید از انجام آن عمل خودداری و تقیه کند و عملی را که مطابق با مذهب مخالفین و یا کفار باشد انجام دهد» (فاضل لنکرانی، محمد، تقیه مداراتی، فصل‌نامه میقات حج، شماره ۳، ۱۳۷۲، ص ۵۱)

۳. سیدمحمد یعقوب، مبانی فقهی تقیه مداراتی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، بی‌تا، ص ۲۳

۴. رحمانی، محمد، تقیه مداراتی و جایگاه آن در انسجام اسلامی، فقه اهل بیت، شماره ۵۲، (۱۴۰ تا ۱۸۶)، ۱۳۸۶، صص ۱۴۵-۱۴۷- موسوی، سیدمحمد یعقوب، مبانی فقهی تقیه مداراتی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، بی‌تا، صص ۶۲-۷۲

۵. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸، مدخل مدارات

۶. رحمانی، محمد، تقیه مداراتی و جایگاه آن در انسجام اسلامی، فقه اهل بیت، شماره ۵۲، (۱۴۰ تا ۱۸۶)، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵

اصلی در آن، وحدت کلمه و اتحاد مسلمین بر اساس دوستی با مخالفان و جلب محبت آنان است و در آن، بر خلاف تقیه‌ی خوفیه که شرط عدم ضرر وجود دارد، خوف از ضرر مطرح نیست.^(۱) در تعریف دیگری تقیه مداراتی بر مبنای مصادیق آن تعریف گردیده بر این اساس تقیه مداراتی عبارت است از حسن معاشرت نسبت به مخالفین مذهب شیعه از طریق نماز خواندن همراه آنان، عیادت مریم‌های آنان، حضور در تشییع جنازه‌ی آنان و مانند این‌ها که موجب حفظ شاکله‌ی وحدت اسلامی، تأیید دین، اعتلای جایگاه اسلام و مسلمین در برابر کفار و مشرکین می‌گردد.^(۲) در نتیجه هدف از این قسم تقیه بر خلاف تقیه‌ی خوفی و کتمانی از یک سو حسن معاشرت، تحقق مدارا، جلب مودت و دوستی و در نتیجه تحقق وحدت میان مسلمین می‌باشد که جلوه‌ی عملی آن با شرکت یکپارچه در شعائر الهی از جمله نماز جماعت، حج و سایر مظاهر وحدت محقق می‌گردد و از سوی دیگر پیروان مذهب حق با حضور در تجمعات مسلمین، هرگونه اتهام را از خود رفع می‌نمایند.^(۳)

در خصوص حکم تقیه مداراتی با توجه به جایگاه متفاوتی که در نظر فقها برای آن فرض شده است، حکم شرعی متفاوتی نیز بر آن بار گردیده است؛ برای نمونه شیخ انصاری تقیه‌ی مداراتی را یکی از اقسام تقیه‌ی خوفی می‌داند و از آن‌جا که شرط وجود ضرر را در ماهیت تقیه به عنوان عنصری ذاتی شرط نموده، بر این باور است که ضرر ناشی از تقیه‌ی مداراتی تدریجی است و بر همین اساس حکم تکلیفی آن نیز استصحاب است^(۴) در حالی که امام خمینی(ره) تقیه‌ی مداراتی را در عرض تقیه‌ی خوفی می‌داند و معتقد است که ماهیتی جز جلب محبت و ایجاد وحدت کلمه ندارد و بر همین مبنا حکم تکلیفی آن وجوب می‌باشد.^(۵)

۱. و المراد بالتقیة مداراة ان یكون المطلوب فیها نفس شمل الکلمة و وحدتها بتحبیب المخالفین و جرّ مودتهم من غیر خوف ضرر کما فی التقیة خوفا (موسوی خمینی، سید روح الله، القواعد الفقهیة و الاجتهاد و التقليد، ۲ جلد، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۴)
۲. روحانی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام، ۲۶ جلد، قم: دار الکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۱، ص: ۴۲۱
۳. فاضل لنکرانی، محمد، تقیه مداراتی، فصلنامه میقات حج، شماره ۳، ۱۳۷۲، ص ۵۷
۴. انصاری دزفولی، مرتضی، رسائل فقهیة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۴ هـ، ص ۲ و ۷۵
۵. موسوی خمینی، سید روح الله، القواعد الفقهیة و الاجتهاد و التقليد، ۲ جلد، قم: مؤسسه مطبوعاتی

مهم‌ترین مبانی فقهی تقیه‌ی مداراتی در آیات قرآن کریم، ادله‌ی عقلی، فطرت و ادله‌ی بر آمده از سیره و سنت اهل بیت علیهم‌السلام قابل مطالعه است.

برخی فقهای شیعه بر این باورند که ادله‌ی قرآنی لزوم و وجوب حفظ وحدت دلیلی بر لزوم تقیه‌ی مداراتی محسوب می‌گردد^(۱). برای نمونه می‌توان به آیات «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید»^(۲)، «و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل می‌شوید، و قدرت و شوکتان از میان می‌رود و شکیبایی ورزید زیرا خدا با شکیبایان است»^(۳) و «مسلماً کسانی که دینشان را بخش بخش کردند، و گروه گروه شدند، تو را هیچ پیوندی با آنان نیست، کار آنان فقط با خداست، سپس به اعمالی که همواره انجام می‌دادند، آگاهشان می‌کند»^(۴) اشاره نمود.

علاوه بر این فقهای شیعه یکی از مهم‌ترین مبانی تقیه در اندیشه‌ی اسلامی را «تقدیم اهم بر مهم» می‌دانند. در این خصوص باید گفت بر مبنای ادله‌ی عقلی چنانچه میان وظایف فردی با شوکت، عزت و وحدت مسلمانان که نمایان‌گر قدرت اسلام است تناقض ایجاد شود، ناگزیر وظایف فردی ساقط شده و فرد موظف به تقیه می‌گردد. ریشه‌ی این موضوع را باید در قاعده‌ی اهم و مهم جستجو نمود که مبتنی بر آن هنگامی که میان دو موضوع اهم و مهم تراحم ایجاد می‌گردد به حکم این قاعده که از مستقلات عقلیه می‌باشد^(۵) با کنار گذاشتن امر مهم، باید به موضوع اهم پرداخت. تقیه نیز حکم به همین قاعده را بیان می‌دارد که مبتنی بر آن به منظور حفظ اتحاد و

اسماعیلیان، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۴

۱. روحانی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام، ۲۶ جلد، قم: دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه

السلام، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۱۱، ص: ۴۲۱

۲. وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ بِنِعْمَةِ اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلٰی شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذٰلِكَ يَبِيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ (سوره آل عمران: آیه ۱۰۳)

۳. وَ اطِيعُوا اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهٗ وَ لَا تَزْعُمُوْا فَتَفْشَلُوْا وَ تَذْهَبَ رِيْحُكُمْ وَ اصْبِرُوْا اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ (سوره انفال: آیه ۴۶)

۴. اِنَّ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا دِيْنَهُمْ وَ كَانُوْا شِيْعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِيْ شَيْءٍ اِنَّمَا اَمْرُهُمْ اِلَى اللّٰهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَفْعَلُوْنَ (سوره انعام: آیه ۱۵۹)

۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا، بی‌تا، ج ۲۱، ۳۳۰

پیوند میان مسلمانان، پیروان مذهب حقه با احترام به عقاید سایر مذاهب اسلامی در کنار هم زندگی مسالمت آمیزی خواهند داشت.^(۱)

برخی از فقهای شیعه به فطرت به عنوان مبانی تقیه در آموزه‌های فقه شیعه اشاره نموده‌اند. در این خصوص باید بیان نمود که در این نگاه تقیه امری فطری محسوب می‌گردد که بیش از همه عقل و فطرت انسان به تحقق آن حکم می‌کند.^(۲) به بیان دیگر در کنار روایات وارده در این زمینه، فطرت سلیم بشری نیز موافق با مشروعیت تقیه مداراتی است؛ چرا که تقیه از قوانین سیاسی و اجتماعی اسلام محسوب می‌گردد و به وسیله‌ی آن وحدت اسلامی حفظ می‌گردد و به کمک آن جامعه از چنگال تفرقه و اختلاف در امان می‌ماند.^(۳)

علاوه بر این موارد روایات متعددی نیز به تقیه‌ی مداراتی به عنوان یکی از اقسام تقیه در آموزه‌های فقه شیعه اشاره داشته است^(۴)، تا جایی که فقهای شیعه مستند به این دست روایات در کتب فقهی خود حکم به وجوب روابط حسنه با سایر مذاهب اسلامی مبتنی بر قاعده‌ی تقیه نموده‌اند^(۵). برای نمونه در روایتی از امام صادق(ع) خطاب به هشام بن حکم آمده است: « بپرهیز از انجام اعمالی که موجب عیب گرفتن

۱. کل ذلك مقتبس من حکم العقل بتقدیم الأهم علی المهم إذا دار الأمر بینهما (مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة، ۲ جلد، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین - علیه السلام، ۱۴۱۱ هـ، ج ۱، ۳۸۸ و أما العقل: فلائنه من صغریات تقدیم الأهم علی المهم، إذ الأمر یدور بین الضرر علی النفس المحترمة أو العرض أو المال المحترم و بین إتیان تکلیف فرعی مطابقاً لمذهب الطرف و کل ذی شعور یحکم بتقدیم الأول علی الآخر، مع أن حفظ الوحده الصوریة الإسلامیة أهم من کل شیء، كما تدل علیه سیره النبی صلی الله علیه و آله، و خلفائه الراشدين المعصومین علیهم السلام. (سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام،

۳۰ جلد، قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ هـ، ج ۱۵، ۲۳۹)

۲. سبحانی، جعفر، مع الشیعة الامامیة، بی‌نا، بی‌تا، ص ۶۵

۳. (ان مشروعیة التقیة ثابتة بالکتاب و السنة المتواترة من طرق الفریقین، و توافقها الفطرة الانسانیة السلیمة، إذ هی احدی القوانین السیاسیة الاجتماعیة الرائعة، بها تحفظ وحده المجتمع الاسلامی التي هی منشأ الخیر و البرکة و السعادة، و بها یتقی عن الاختلاف و الشقاق فیہ) روحانی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام، ۲۶ جلد، قم: دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۱، ص: ۳۹۱

۴. موسوی خمینی، سید روح الله، الرسائل العشره، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۰ هـ، ق، ص ۵۸-فاضل لنکرانی، محمد، تقیه مداراتی، فصل‌نامه میقات حج، شماره ۳، ۱۳۷۲، صص ۵۶-۶۰

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۲۱۹

دیگران بر ما شوند چه این که کار بد فرزند سبب عیب گرفتن مردم بر پدرش می‌شود. زینت امامان بوده و سبب سرزنش و عیب گرفتن دیگران بر ما نشوید با آنان نماز بخوانید؛ به عیادت مریض های آنان بروید؛ مردگانشان را تشییع نمائید. بر هر کار خیری از آنان سبقت بگیرید چه شما به انجام کارهای نیکو شایسته‌ترید.^(۱)

در نتیجه می‌توان بیان نمود که قانون‌گذار اساسی در اصل ۱۲، حکم به احترام و آزادی مذاهب اسلامی را مبتنی بر قاعده‌ی تقیه‌ی مداراتی به عنوان یکی از اقسام تقیه که دارای ریشه‌های عقلی و نقلی است، صادر نموده است. این قسم از تقیه که بر خلاف سایر اقسام تقیه مبتنی بر خوف و ضرر نیست و بر مبنای تحقق وحدت و تعاون مسلمین، تحبيب قلوب آنان، جلب محبت مخالفین، تقویت مذهب رسمی و پاسداری از آن به منظور جلوگیری از ضعف شکل می‌گیرد،^(۲) می‌تواند مبنای مستحکمی برای حقوق و آزادی‌های مندرج در اصل ۱۲ برای سایر مذاهب اسلامی تلقی گردد.

بند دوم: وجوب حسن معاشرت با سایر مذاهب اسلامی و حرمت اهانت و توهین به مقدسات آنها

یکی دیگر از مبانی فقهی احترام به حقوق و آزادی‌های مندرج در اصل ۱۲ قانون اساسی برای سایر مذاهب اسلامی، حکم شرعی وجوب حسن معاشرت با سایر مذاهب اسلامی و احکام ویژه‌ای است که برای این امر بیان گردیده است. فقهای شیعه بر مبنای روایات ائمه‌ی معصومین، در مقام تبیین وظایف مقلدین خود در ارتباط با سایر مذاهب اسلامی، حکم به وجوب حسن معاشرت با آنان نموده‌اند. برای نمونه

۱. هشام بن حکم قال سمعت ابا عبدالله - علیه السلام - يقول: «ایاکم ان تعملوا عملاً نعیر به فان ولد السوء یعیر والده بعمله کنونوا لمن انقطعتم الیه زینا ولا تکنونوا علینا شینا صلوا فی عشائهم و عودوا مرضاهم و اشهدوا جنازهم ولا یسبقونکم الی شیء من الخیر فانتم اولی به منهم والله ما عبدالله بشیء احب الیه من الخبء قلت و ما الخبء قال التقیة» (حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۲۱۹)

۲. مکارم شیرازی، ناصر، الشیعة شبهات و ردود، مترجم: احمد محمد الحزق، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۸ هـ ق، ص ۳۴- و هی الّتی شرّعت لوحدة الکلمة بین المسلمین - العامة و الخاصة - و تحبيب قلوب المخالفین و جرّ مودّتهم و جلب محبّتهم اتّقاء من فتنة الاختلاف بین المسلمین و تقویة للمذهب و صونا له من موجبات الوهن و الضعف. (سیفی مازندرانی، علی اکبر، مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیة الأساسیة، ۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ هـ ق، ج ۲، ۱۳۱)

مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب «وسائل الشیعه» ذیل باب «ابواب احکام العشره فی السفر و الحضر» با استناد به ۱۰ روایت به بیان حکم و جوب «عشره الناس حتی العامه بقاء الامانه و اقامه الشهاده و الصدق و استحباب عیاده المرضی و شهود الجنائز و حسن الاجوار و الصلاه فی المساجد» پرداخته است.^(۱) از سوی دیگر فقهای شیعه با استناد به منابع فقهی (اعم از قرآن، سنت، اجماع و عقل) حکم به حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت و لزوم حفظ احترام به سایر مذاهب اسلامی داده‌اند.^(۲) برای نمونه رهبر معظم انقلاب در پاسخ به استفتایی در این خصوص بیان می‌دارد: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر اسلام (ص) حرام است» و از منظر ایشان هرگونه توهین به مقدسات سایر مذاهب اسلامی شرعاً حرام می‌باشد.^(۳) بر این اساس می‌توان بیان نمود که لزوم احترام و رعایت حقوق سایر مذاهب اسلامی اعم از مالکی، حنفی، شافعی، زیدی و امثال آن‌ها، ریشه در آموزه‌های فقه شیعه دارد.

گفتار دوم: آثار حقوقی احترام و آزادی مذاهب اسلامی

تا کنون روشن گردید که حکم قانون اساسی مبنی بر لزوم احترام به سایر مذاهب اسلامی و لزوم رعایت آزادی آن‌ها دارای مبانی فقهی مستحکمی است. اما آنچه بررسی آن از این پس دارای اهمیت به نظر می‌رسد، آثار حقوقی احترام و آزادی مذاهب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. برای نمونه در یکی از این روایات از امام صادق (ع) نقل شده است: «معاویه بن وهب گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: چگونه برای ما شایسته است با مردمی که در میان ما زندگی می‌کنند رفتار کنیم؟ گوید که در پاسخ فرمود: امانت آن‌ها [=پیروان سایر مذاهب اسلامی] را به ایشان بپردازید، و (در هنگام نیاز) گواهی بر سود و زیانشان بدهید، و بیمارانشان را عیادت کنید و در جنازه مرده هاشان حاضر شوید (و در مراسم تشییع و دفن و کفن آن‌ها شرکت کنید).» (حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، الی تحصیل مسائل الشریعه، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۵)

۲. برای نمونه می‌توان به فتاوی حضرت آیات مکارم شیرازی، سیستانی، وحید خراسانی، جوادی آملی، نوری همدانی، موسوی اردبیلی، شبیری زنجانی، علوی گرگانی، مظاهری و هاشمی شاهرودی در زمینه‌ی حرمت به مقدسات اسلامی اشاره نمود.

<http://www.fetan.ir/home/2020>

۳. به منظور مطالعه‌ی نظرات مقام معظم رهبری در این خصوص ر.ک:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۸۵۹۲>

بند اول: حق احترام کامل و عدم توهین به مقدسات مذاهب اسلامی

یکی از حقوق مذاهب اسلامی که در اصل ۱۲ قانون اساسی به آن تصریح گشته است، «حق احترام کامل» است. بر اساس این حق که یکی از ضروریات زندگی اجتماعی ناشی از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بوده و دارای مبانی روایی در سیره و سنت اهل بیت (ع) نیز می‌باشد، مذاهب اسلامی در نظام ایران دارای احترام کامل هستند. مهم‌ترین اثر حقوقی این حق آن است که هرگونه توهین و یا بی‌احترامی به آموزه‌ها و مقدسات سایر مذاهب اسلامی از منظر قانونی ممنوع بوده و قانون‌گذار عادی موظف است در راستای تحقق این حکم قانون اساسی اقدام به جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌های بازدارنده نماید.

بند دوم: حق آزادی انجام مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی

دومین حقی که قانون‌گذار اساسی برای سایر مذاهب اسلامی در نظر گرفته است، حق آزادی انجام مراسم مذهبی بر اساس آموزه‌های فقه آن مذهب است. بر این اساس از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیروان مذاهب اسلامی در انجام مراسم مذهبی خود آزادند. علاوه بر این، پیروان سایر مذاهب اسلامی می‌توانند به تعلیم و تربیت فرزندان خود در مساجد، مدارس و مجالس بر اساس آموزه‌های برآمده از عقاید، معارف، فقه و تاریخ مذهب خود اقدام نمایند. برای نمونه پیروان مذاهب اهل سنت می‌توانند در مساجد خود پنج نوبت اذان بگویند، در ماه مبارک رمضان نماز تراویح بخوانند، در ایام جشن‌ها و مراسمات مذهبی مطابق با اعتقادات تاریخی و فقهی خود عمل کنند.^(۱) بر این اساس قانون‌گذار عادی و مسئولان اجرایی موظفند همه‌ی امکانات لازم را برای تحقق این حق قانونی فراهم نمایند.

بند سوم: حق بهره‌مندی از احوال شخصیه و دادرسی مربوط به آن بر اساس مذهب

یکی دیگر از حقوقی که اصل ۱۲ قانون اساسی برای سایر مذاهب اسلامی تصریح می‌کند، حق بهره‌مندی از حقوق ناشی از احوال شخصیه و حق دادرسی در خصوص این دسته از حقوق مطابق با مذاهب آنان است. در این خصوص باید بیان نمود که از احوال شخصیه تعاریف متعددی به وسیله‌ی اندیشمندان حقوقی ارائه گردیده است.^(۲)

۱. یزدی، محمد، قانون اساسی برای همه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵، صص ۱۸۲ و ۱۸۳

۲. برای نمونه می‌توان به تعاریف ذیل اشاره نمود: مقصود از احوال شخصیه مجموعه اوصاف و خصوصیات است که وضعیت و هویت شخص و همچنین حقوق و تکالیف او را در خانواده و اجتماع



با این وجود قانون‌گذار اساسی با ذکر مصادیق احوال شخصیه به ازدواج، طلاق، ارث و وصیت، دایره‌ی این مفهوم را به مصادیق ذکر شده محدود نموده است. بر این اساس از آن‌جا که ممکن است میان مذاهب اسلامی در خصوص احکام هر یک از مصادیق ذکر شده اختلافات و تفاوت‌هایی موجود باشد، قانون اساسی حکم کرده که پیروان هر یک از این مذاهب در موضوعات ازدواج، طلاق، ارث و وصیت مطابق با مذهب خود عمل نمایند. علاوه بر این به هنگام بروز اختلافات و طرح دعاوی در خصوص موضوعات مرتبط با ازدواج، طلاق، ارث و وصیت میان پیروان مذاهب اسلامی، دادگاه‌ها موظفند مطابق با احکام فقهی مذهب مورد نظر اقدام به صدور حکم کنند. قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۴/۳۱ که به نظر همچنان معتبر می‌باشد، در خصوص نحوه‌ی اجرای این حق مقرراتی را وضع نموده است.^(۱)

معین می‌کند. (کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران: بی‌نا، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴) از منظر دیگر احوال شخصیه مجموع صفات انسان است که به اعتبار آنها یک شخص در جامعه دارای حقوق شده و آن حقوق را اجرا می‌نماید، مانند: ازدواج، طلاق، تابعیت، اسم، اقامتگاه، اهلیت و حجر، حضانت، ولایت و امثال اینها. (طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، ۵ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ هـ، ج ۱، ص ۳۶) به بیان دیگر احوال شخصیه مجموع صفات انسان بوده که به اعتبار آن‌ها یک شخص در اجتماع دارای حقوق می‌شود و آن حقوق را اجرا می‌کند، همانند تابعیت و ازدواج و اسم و اقامتگاه و اهلیت و غیره. (محمد جعفر جعفری لنگرودی محمدجعفر، مسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ص ۱۷) در تعریف دیگری نیز احوال شخصیه با اشاره به مصادیق آن تعریف شده که می‌توان از مقررات مربوط به اهلیت، نکاح، روابط مالی زوجین، طلاق، حضانت، ولایت، قیمومت، انفاق اقرباء به عنوان مصادیق احوال شخصیه نام برد. (امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ۶ جلد، تهران: انتشارات اسلامی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۴)

۱. ماده واحده - نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند:

۱ - در مسائل مربوطه به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

۲ - در مسائل مربوطه به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی.

۳ - در مسائل مربوطه به فرزند خواندگی [خواندگی] عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.

بند چهارم: حق مقررہ گذاری در حدود اختیارات شوراهای محلی

قانون گذار اساسی در کنار رسمیت بخشی به مذهب شیعه ای اثنی عشری، حق مقررہ گذاری در حیطه ی صلاحیت های شوراهای محلی، در مناطقی که اکثریت ساکنان آن از مذهب خاصی هستند را به عنوان یکی دیگر از حقوق مذاهب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر شمرده و مقرر می دارد: «در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب». بر این اساس در صورتی که پیروان هر یک از مذاهب اسلامی در حوزه ی صلاحیت شوراهای محلی، اکثریت جمعیت را تشکیل دهند، می توانند مطابق با آموزه های مذهب خود اقدام به مقررہ گذاری کنند. در این خصوص توجه به چند نکته ضروری به نظر می رسد: اولاً مطابق با فصل هفتم قانون اساسی که به موضوع شوراها اختصاص دارد، حیطه ی صلاحیت شوراهای محلی در زمینه ی «برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی» بوده و از طریق همکاری مردم و با توجه به مقتضیات محلی صورت می پذیرد.^(۱) ثانیاً مطابق با اصول یکصد و یکصد و پنجم قانون اساسی، شوراهای محلی در تصمیم گیری های خود محدود به رعایت اصول وحدت ملی، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی بوده و تصمیمات آنها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد. ثالثاً مبتنی بر اصل ۱۲ شوراهای متشکل از پیروان مذاهب اسلامی باید در مصوبات خود، حقوق سایر مذاهب اسلامی را رعایت نمایند. بر این اساس از مصادیق اختیارات شوراهای محلی که مبتنی بر اصل ۱۲ قانون اساسی به وسیله ی پیروان مذاهب اسلامی تشکیل می گردد، می توان به اموری همانند تعیین تکلیف تخریب مساجد برای راه سازی، وضع عوارض محلی در حدود زکات و اتخاذ تصمیمات فرهنگی بر اساس

۱. اصل یکصد و پنجم قانون اساسی: «برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می کند.»

مذهب حاکم اشاره نمود.^(۱) در نتیجه حق احترام کامل و عدم توهین به مقدسات مذاهب اسلامی، حق آزادی انجام مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی، حق بهره‌مندی از احوال شخصیه و دادرسی آنها بر اساس مذهب و حق مقررہ‌گذاری در حدود اختیارات شوراهای محلی به عنوان مهم‌ترین حقوق سایر مذاهب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

اصل دوازدهم قانون اساسی در مقام بیان جایگاه دین و مذهب رسمی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس این اصل، دین اسلام به عنوان دین رسمی و مذهب جعفری اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی معرفی گردیده است. مقصود از دین اسلام در این اصل، مجموعه تعالیمی است که خداوند متعال به منظور سعادت بشر از طریق پیامبر خاتم (ص) نازل فرموده و مقصود از مذهب شیعی جعفری اثنی عشری بیان یکی از فرق اسلامی است که دارای اعتقادات مشخصی می‌باشد و جوهره و وجه بارز ممیزه‌ی آن از سایر مذاهب اسلامی پیروی از امیرالمومنین (ع) و یازده فرزند معصوم ایشان به عنوان جانشینان رسول خدا (ص) بوده که دارای مقام عصمت هستند و به عنوان انسان کامل تلقی می‌گردند. اساسی‌سازی دین اسلام، ریشه در حقانیت اسلام به عنوان آخرین دین الهی دارد. به عنوان مهم‌ترین مبنای فقهی اساسی‌سازی دین و مذهب رسمی می‌توان به قاعده‌ی وجوب تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر آموزه‌های فقه شیعه اشاره نمود. این قاعده مبتنی بر لزوم و وجوب تشکیل حکومت اسلامی، حرمت مراجعه به حکومت‌های غیراسلامی و قاعده‌ی اشتراک در تکلیف بنیان‌گردیده است. بر این اساس بیان خواست و اراده‌ی قلبی ملت ایران در اجرای حکم شرعی وجوب تشکیل حکومت اسلامی و اجرای مقررات شرعی در زندگی فردی و اجتماعی آنان و اعتقاد به حاکمیت اسلام مطابق با دستور اسلام و در مسیر اهل‌بیت عصمت و طهارت به عنوان مبنای فقهی اساسی‌سازی دین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری مطرح می‌باشد.

یکی دیگر از موضوعات مطرح در اصل ۱۲ قانون اساسی، رسمیت دین و مذهب

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۵۷ و ص ۴۷۱

می‌باشد. مقصود از رسمیت دین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری در منظومه‌ی قانون اساسی آن است که همه‌ی قوانین و مقررات لازم‌الاجرا در نظام جمهوری اسلامی ایران باید مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری تصویب و اجرا گردد. رسمیت اسلام و تشیع و لزوم انطباق قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران با آموزه‌های اسلامی و شیعی دارای مبانی مستحکم فقهی و کلامی است. اختصاص تشریع به خداوند متعال و لزوم تسلیم در برابر اوامر او به منظور دستیابی به سعادت دنیا و آخرت و همچنین استنادات قرآنی و روایی در خصوص انحصار دستیابی به مسیر سعادت از طریق اهل بیت عصمت و طهارت مهم‌ترین مبانی رسمیت دین و مذهب در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد.

به عنوان مهم‌ترین آثار رسمیت دین اسلام و مذهب جعفری می‌توان به نفی تکثرگرایی دینی، در نظر گرفتن مذهب جعفری اثنی عشری به عنوان شاخصه‌ای برای انطباق قوانین و مقررات و الزام به حمایت و حراست از دین و مذهب رسمی در قوانین و مقررات عادی اشاره نمود. بر این اساس اولاً اصل ۱۲ قانون اساسی ضمن نفی نگاه تکثرگرایانه به موضوع حقانیت و نجات‌بخشی دین، دین اسلام را به عنوان تنها مسیر حقانی و نجات‌بخش معرفی می‌نماید و آن را دین رسمی کشور ایران می‌داند. ثانیاً عبارت رسمیت مذهب جعفری که به مفهوم انطباق قوانین و مقررات با آموزه‌های فقه جعفری اثنی عشری می‌باشد، به معنای تشکیل حکومت شیعی در برابر حکومت‌های سنی نیست و تنها به موضوع ملاک و معیار بودن شیوه‌ی استنباط فقهای شیعه اشاره می‌نماید. همچنین انتخاب یکی از مذاهب اسلامی به عنوان مذهب رسمی در تاریخ حکومت‌های اسلامی دارای سابقه بوده و حکومت عثمانی بر همین مبنا مذهب حنفی را به عنوان مذهب رسمی دولت خویش برگزیده بود. ثالثاً انتخاب دین اسلام به عنوان دین رسمی و مذهب جعفری اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی دارای آثار حقوقی است که از جمله‌ی آنها می‌توان به لزوم انطباق قوانین و مقررات به نحو سلبی و ایجابی با آموزه‌های آنها و لزوم جرم‌انگاری هر آنچه موجب تضعیف دین و مذهب رسمی کشور می‌گردد، اشاره نمود.

اصل ۱۲ قانون اساسی علاوه بر تعیین دین و مذهب رسمی کشور در خصوص جایگاه سایر مذاهب اسلامی نیز احکامی را مقرر می‌دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد مهم‌ترین مبانی فقهی اساسی‌سازی لزوم احترام به سایر مذاهب اسلامی و لزوم رعایت

آزادی آن‌ها در انجام مراسمات مذهبی و همچنین صلاحیت مقررہ گذاری در حیطه‌ی صلاحیت شوراهای محلی تقیه‌ی مداراتی و فتوای وجوب حسن معاشرت و حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت مبتنی بر سیره و سنت ائمه‌ی معصومین(ع) است. مقصود از تقیه‌ی مداراتی عبارت است از مدارا، نرمش، خوش برخوردی و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر مذاهب اسلامی به منظور جلب دوستی آنها و به سبب وحدت کلمه که دارای مبانی متعدد فقهی و کلامی از جمله آیات قرآن کریم، عقل، فطرت و سنت و سیره‌ی ائمه‌ی معصومین(ع) است. علاوه بر این فقهای شیعه مستند به مبانی فقهی از نظر سلبی و ایجابی رعایت حقوق سایر مذاهب اسلامی را واجب بر شمرده‌اند. به بیان دیگر فقهای شیعه حکم به وجوب حسن معاشرت با سایر مذاهب اسلامی و حرمت اهانت و توهین به مقدسات آن‌ها داده‌اند. از همین رو می‌توان حقوقی از جمله حق احترام کامل و عدم توهین به مقدسات مذاهب اسلامی، حق آزادی انجام مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی، حق بهره‌مندی از احوال شخصیه و دادرسی آنها بر اساس مذهب و حق مقررہ گذاری در حدود اختیارات شوراهای محلی را به عنوان مهم‌ترین حقوق سایر مذاهب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر شمرد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. ابن منظور، ابو الفضل محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ هـ ق
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات قانون اساسی، تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴
۳. ارسطا، محمدجواد، پلورالیسم دینی و قرآن، قبسات شماره ۲۳، ۱۳۸۱
۴. اسلامی، علی، پلورالیسم دینی از منظر قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹
۵. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ۶ جلد، تهران: انتشارات اسلامی، بی تا
۶. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ۱۱ جلد، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ هـ ق
۷. انصاری دزفولی، مرتضی، رسائل فقهیه، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۴ هـ ق
۸. بحرانی سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶
۹. بحرانی، محمد سند، أسس النظام السیاسی عند الآمائیة، قم: مکتبه فدک، ۱۴۲۶ هـ ق
۱۰. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۵
۱۱. بهشتی، محمد حسین، شناخت اسلام، تهران: روزنه، ۱۳۹۰
۱۲. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۶ ش
۱۳. جعفری لنگرودی محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۶
۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷
۱۵. جوادی آملی عبد الله، تفسیر موضوعی قرآن (جامعه در قرآن)، ج ۱۷، قم: اسراء، ۱۳۸۸
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، قم: اسراء، ۱۳۸۷
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، قم: انتشارات اسراء، بی تا
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق
۱۹. خاتمی، احمد، فرهنگ علم کلام، تهران: انتشارات صبا، ۱۳۷۰

۲۰. خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن پژوهی، تهران: مرکز نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۲
۲۱. خواجهویان، محمد کاظم، تاریخ تشیع، مشهد: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶ ش
۲۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳
۲۳. ربانی گلبایگانی، علی، فرق و مذهب کلامی، انتشارات مرکز جهانی، بی تا
۲۴. رحمانی، محمد، «تقیه مداراتی و جایگاه آن در انسجام اسلامی»، فقه اهل بیت، شماره ۵۲، (۱۴۰ تا ۱۸۶)، ۱۳۸۶
۲۵. روحانی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام، ۲۶ جلد، قم: دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۲ هـ ق
۲۶. ساعدی، محمد باقر، فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ۴ جلد، قم: انتشارات فیروزآبادی، ۱۳۷۴
۲۷. سبحانی جعفر، منشور عقاید امامیه، تهران: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۶
۲۸. سبحانی جعفر، سیمای عقائد شیعه، ترجمه جواد محدثی، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶ ش
۲۹. سبحانی، جعفر، مع الشيعة الامامية، بی نا، بی تا
۳۰. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ هـ ق
۳۱. سیفی مازندرانی، علی اکبر، مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهيّة ایساسیة، ۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ هـ ق
۳۲. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الممل و النحل، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش
۳۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۲، ۴۳۴
۳۴. شیخ مفید، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق
۳۵. شیخ مفید، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق
۳۶. شیخ مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقاد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۳۷

۳۷. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، ۵ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ ه ق
۳۸. طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴
۳۹. طباطبایی، محمد حسین، شیعه در اسلام، قم: انتشارات هجرت، بی تا
۴۰. عمید حسن، فرهنگ لغات عمید، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربانزاده، تهران: نشر آشنج، ۱۳۸۹
۴۱. عمید زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ ه ق
۴۲. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی ایران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵
۴۳. عمید زنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی، مشتمل بر واژگان فقهی و حقوق عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹
۴۴. فاضل لنکرانی، محمد، «تقیه مداراتی»، فصل نامه میقات حج، شماره ۳، ۱۳۷۲
۴۵. فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقہیہ، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار (ع)، ۱۳۸۳
۴۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: مؤسسه الهجرت، ۱۴۱۰ ق
۴۷. فضل الله، سید محمد حسین، پرسش و پاسخ، قم: المکتب الاعلامی، ۱۴۲۲
۴۸. فلاح زاده، محمد حسین، احکام دین مطابق با فتاوی مراجع بزرگ تقلید، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶
۴۹. قدردان قراملکی، محمد حسن، «نقد مدعیات قرآنی پلورالیسم دینی»، قبسات، شماره ۳۷، ۱۳۸۴
۵۰. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران: بی نا، ۱۳۶۶
۵۱. کعبی، عباس، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷
۵۳. کرکی عاملی، علی بن حسین، رسائل المحقق الکرکی، ۳ جلد، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی و دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۹ ه ق

۵۴. گرجیان، محمد مهدی و ایلقار اسماعیل زاده، «نقد و بررسی پلورالیسم حقانیت از نگاه قرآن کریم»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۳۴، (۶۹ تا ۹۸)، ۱۳۸۹
۵۵. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، جلد اول، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، بی تا
۵۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳
۵۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۷
۵۸. مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، مأخذ شناسی قواعد فقهی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۱ هـ ق
۵۹. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱
۶۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران: مرکز الكتاب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ هـ ق
۶۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، بی تا
۶۲. مظفر، محمد رضا، عقاید الامامیه، قم: انصاریان، ۱۳۸۷
۶۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۸
۶۴. مکارم شیرازی، ناصر، پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان، قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۶
۶۵. مکارم شیرازی ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴
۶۶. مکارم شیرازی ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، الشیعة شبهات و ردود، مترجم: احمد محمد الحرز، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۸ هـ ق
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، ۲ جلد، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین - علیه السلام، ۱۴۱۱ هـ ق

۶۹. مکارم شیرازی، ناصر، **دائرة المعارف فقه مقارن**، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ هـ ق
۷۰. مکارم شیرازی، ناصر، **کتاب النکاح**، ۶ جلد، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۴ هـ ق
۷۱. منتظری نجف آبادی، حسین علی، **مبانی فقهی حکومت اسلامی**، مترجم: محمود صلواتی و ابو الفضل شکوری، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ هـ ق
۷۲. موسوی خمینی روح الله، **حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (س)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۹
۷۳. موسوی خمینی، سید روح الله، **القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد**، ۲ جلد، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا
۷۴. موسوی خمینی، سید روح الله، **الرسائل العشرة**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۰ هـ ق
۷۵. موسوی خمینی، سید روح الله، **ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس، ۱۴۲۳ هـ
۷۶. موسوی، سید محمد یعقوب، **مبانی فقهی تقیه مداراتی**، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، بی تا
۷۷. موسی، حسین یوسف، **الإفصاح**، قم: بی نا، بی تا
۷۸. نراقی، مهدی بن ابی ذر، **علم اخلاق اسلامی: ترجمه کتاب جامع السعادات**، ترجمه جلال الدین مجتبوی، تهران: حکمت، ۱۳۷۷
۷۹. نعمانی، شبلی، **تاریخ علم کلام**، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۶ ش
۸۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، ۳ جلد، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ هـ ق
۸۱. هاشمی، محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول، میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۴
۸۲. یزدی، محمد، **قانون اساسی برای همه**، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ايفا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir